


??

??????? 

Article Info	ABSTRACT
Article type: ??????	Child labor is, in temporal terms, a historical phenomenon and, in terms of scope, a global one; however, the causal factors leading to its emergence and persistence are not uniform across different countries. In Iran, despite the enactment of deterrent laws and regulations and the implementation of dozens of intervention programs, this phenomenon has continued.
Article history: Received: Received Accepted: Published online:	The present study was conducted with the aim of exploring the processes through which child labor is formed, as well as identifying its forms. Utilizing a grounded theory approach, and through conducting in-depth qualitative interviews with 50 participants, data were collected and analyzed. As a result, three forms of child labor were identified: Exploitatively Hired Child Labor, Subsistence-based Child Labor, and Child Labor in Family-owned Businesses.
Keywords: Child Labor, Social Construction of Childhood, Agency, Grounded Theory	<p>The findings indicate that working children within the aforementioned types differ considerably in terms of their working conditions, reasons and causes of labor, work experiences and evaluations, individual and family characteristics (including available resources, parental attitudes toward children, education, and work, family structure and composition, and the degree of organization and functionality), temporal orientation (experience of time), nutritional status, level of agency and perceived social control, type of coping strategies adopted, and the consequences resulting from the application of these strategies.</p> <p>While child labor, depending on its form, is shaped by different causal and contextual conditions and leads to the adoption and manifestation of different strategies (actions and interactions) and outcomes, at a broader level it appears that macro-level political, social, economic, and cultural forces have exerted relatively similar influences on the mitigation or intensification of child labor and on children’s choice of strategies.</p>
Cite this article:	

کاوش فرایندهای اجتماعی چگونگی شکل‌گیری کار کودک در شهر تهران:

به سوی نظریه زمینه‌ای*

علی ربیعی^۱، بهرام قدیمی^۲، حسن محمدصادقیان^۳

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ??????	کار کودک، از بعد زمانی، پدیده‌ای تاریخی و از حیث گستره، پدیده‌ای جهانی است، لیکن علل موجهه و تداوم‌بخش آن در کشورهای مختلف یکسان نیست. این پدیده در ایران، علی‌رغم وضع قوانین و مقررات بازدارنده و اجرای ده‌ها طرح مداخله‌ای، همچنان تداوم یافته است. در پژوهش حاضر که با هدف کاوش فرایندهای شکل‌گیری کار کودکان و نیز شناسایی اشکال آن اجرایی گردید، ضمن بهره‌گیری از روش گراند تئوری و انجام مصاحبه‌های کیفی عمیق با ۵۰ نفر و گردآوری و تحلیل داده‌ها، سه شکل «کار کودک اجیر شده»، «کار کودک معیشتی» و «کار کودک کارگاه‌های خانوادگی»، پدیدار شدند. نتایج حاکی از آن است که کودکان کار در سنخ‌های فوق‌الاشاره از حیث شرایط، دلایل و علل کار، تجارب کاری و ارزیابی‌ها، ویژگی‌های فردی و خانوادگی (منابع دراختیار، نوع نگرش والدین به کودکان/تحصیل/کار، ساختار و ترکیب خانواده و درجه سامان‌مندی و به‌کارکردی)، جهت‌گیری نسبت به زمان (تجربه زمان)، وضعیت تغذیه‌ای، سطح عاملیت و کنترل اجتماعی درک شده، نوع راهبرد مقابله‌ای و پیامدهای ناشی از به‌کارگیری استراتژی‌ها تا حد زیادی متفاوت بوده‌اند. درحالی‌که کار کودکان بسته به شکل آن، دارای شرایط علی و زمینه‌ای (خاص) متفاوتی بوده و به اتخاذ و بروز راهبردها (کنش و واکنش‌ها) و پیامدهای مختلف منتهی شده‌اند، لیکن به نظر می‌رسد در سطح گسترده‌تر، نیروهای کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر روی تخفیف و یا تشدید کار کودکان و انتخاب استراتژی‌ها از سوی آنان تاثیرگذاری مشابهی داشته‌اند.
تاریخ دریافت:	
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها: کار کودک، ساخت اجتماعی دوران کودکی، عاملیت، نظریه زمینه‌ای	

*. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی فرایندهای ایجاد و گسترش کار کودک در شهر تهران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای» است.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. استاد تمام گروه مدیریت رسانه دانشگاه پیام نور- تهران- ایران: Alirabiei@pnu.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی ورزش- واحد علوم و تحقیقات-دانشگاه آزاد اسلامی- تهران- ایران: ghadimi.bahram@srbiau.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی - واحد علوم و تحقیقات - دانشگاه آزاد اسلامی - تهران- ایران: sadegh425@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مساله

کار کودکان در شهر تهران موضوع اصلی مورد توجه در این پژوهش است. درخصوص تعریف و قلمرو معنایی «کار کودک»^۴، سه استاندارد اصلی بین‌المللی حقوق بشر و کار - کنوانسیون حقوق کودک^۵، کنوانسیون حداقل سن پذیرش در استخدام (شماره ۱۳۸)^۶ و کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک (شماره ۱۸۲)^۷ سازمان بین‌المللی کار که مورد تصویب جهانی قرار گرفته اند، مرزهای قانونی برای کار کودکان و زمینه برای اقدامات ملی و بین‌المللی برای پایان دادن به آن را ایجاد نموده‌اند. در یک تعریف کار کودک برای اشاره به کارهایی استفاده می‌شود که از حیث ماهیت یا شدت چنان هستند که به تحصیل، سلامتی و توسعه فردی کودک آسیب می‌رساند دغدغه اصلی معطوف به کودکانی است که کار کردن لذت کودکی را از آنان سلب و آینده آنها را تباہ می‌کند. در سنین بسیار پایین مجبور به کار می‌شوند ساعات طولانی‌ای را با دستمزدهای ناچیز کار می‌کنند تحت شرایطی که برای سلامتی جسمی و روانی آنها زیان‌آور است کار می‌کنند از والدین خودشان جدا می‌شوند و یا کار کردن آنها را از تحصیل محروم می‌کند. چنین کارهایی موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌شوند و معمولاً با قوانین ملی و بین‌المللی منافات دارند بنابراین در این تحقیق، کار کودک اشاره به شرایطی از کار کردن کودکان دارد که با مفاد کنوانسیون‌های فوق‌الاشاره مغایرت داشته باشد. بنا به این کنوانسیون‌ها، هر نوع مشارکت کودکان زیر ۱۲ سال در هر نوع فعالیت اقتصادی، مشارکت کودکان بین ۱۲ تا ۱۴ سال در کارهای سنگین و مشارکت کودکان در هر سنی در بدترین اشکال کار کودک، در زمرهٔ مصادیق کار کودک به تعبیر منفی آن قرار می‌گیرند (Unicef, 2013).

در این معنا، کار کودک به عنوان یک مساله اجتماعی، قریب دو دهه است که وارد ادبیات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ایران گردیده، لیکن در این مدت علیرغم اجرای دهها طرح مداخله‌ای در جهت ساماندهی [در حوزه کودکان کار و خیابان^۸]، این طرح‌ها به دلیل چالش‌هایی از جمله «عدم پوشش انواع مختلف کودکان کار و خیابان»، «غلبه رویکرد جمع‌آوری بر جذب»، «تقلیل توانمندسازی کودکان کار و خیابان به مساعدت مالی»، «غلبه نگاه کوتاه‌مدت به توانمندسازی به جای فرآیندی دیدن آن»، «عدم پوشش کودکان اتباع»، «عدم اجماع درخصوص نحوه مواجهه با پدیده کودکان کار و خیابان»، «عدم ارتباط سمن‌ها با نهادهای دولتی»، «عدم توجه به ریشه‌های بروز پدیده کودکان کار و خیابان»، «ضعف مدیریتی و اجرایی برخی دستگاه‌های اجرایی» و «ضعف تشکل‌های غیردولتی برای همراهی موثر در امر ساماندهی کودکان کار خیابان» به شکست انجامیده‌اند (گزارش شورای اجتماعی کشور، ۱۳۹۹ و نیز کرمی، فرشاد و همکاران، ۱۴۰۱).

این مساله، یعنی طراحی ضعیف و اجرای ناکارآمد و فاقد نتیجه طرح‌های مداخلاتی و ایستادگی پدیده کار کودک در مقابل سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و نیز ناکارآمدی قوانین و مقررات وضع شده و بازدارنده کار کودک (که در مواردی قابل توجه، شرایط دشوارتری را برای کودکان کار رقم زده است)، به‌علاوه روند افزایشی کار کودک در سال‌های اخیر و درک روزافزون از تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی-روانی کار کودک، ضرورت اصلاح رویکردها و تجدیدنظر در مبانی پارادایمی برنامه‌ها را مبتنی بر بنیان‌های علمی و اقدامات شناختی، با هدف کنترل نسبی این پدیده و بهبودبخشی به شرایط کودکان کار، اجتناب‌ناپذیر ساخته است. آسیب‌شناسی وضعیت موجود حاکی از مسائلی همچون تغییر تدریجی رویکردها و طرز تلقی‌ها از «کار کودک» به «کودکان کار» و غلبه رویکرد و نگاه آسیب‌شناختی به کودکان کار (که به تعبیر فعالان مدنی، نوعی پاک کردن صورت مساله و تناعی‌کننده اقدام متولیان برای پاک‌سازی چهره شهر از کودکان کار و نه بهبودبخشی

^۴ - Child labour

۵ - نظام سیاسی و حقوقی ایران، پیمان‌نامهٔ حقوق کودک را پذیرفته است اما در عمل به آن پایبند نیست و در درون نظم حقوقی و سیاسی کشور نیز رویه‌های مشخص و یکسانی در مورد مسائل مختلف کودکان دیده نمی‌شود. در حال حاضر حقوق کودکان در ایران، هم به دلیل خلاءهای قانونی و هم به دلیل عدم اجرای صحیح قوانین موجود و هم به دلیل نبود گفتمان کودک‌محوری که سیاست‌ها و اقدامات دولتی و مدنی را مشخص کند، وضعیت مطلوبی ندارد. مسائل و مشکلات متعدد در حوزه کودکان و نوجوانان باعث شده است که برخی از حقوقدانان و جامعه‌شناسان از بحران مسائل کودکان در ایران سخن بگویند (شاه‌علی، ۱۳۹۹ الف).

۷ - این کنوانسیون که کشور ایران در سال ۱۳۸۰ به آن پیوسته، مشخصاً بر چهار نوع کار زیان‌باری اشاره دارد که افراد زیر ۱۸ سال در آن فعالیت داشته باشند. این چهار نوع فعالیت به ترتیب عبارتند از: اشکال مختلف بردگی، رعیتی و کار اجباری از جمله استخدام سرباز برای مشارکت در درگیری‌های مسلحانه، استثمار جنسی تجاری (فحشاء یا پورنوگرافی)، فعالیت‌های قاچاق، کارهای پرخطری که زندگی، سلامتی یا اخلاقیات افراد را به مخاطره بیندازد. مقاله‌نامه مذکور به‌صورت آنلاین در سایت سازمان بین‌المللی کار به آدرس زیر در دسترس است:

۱۸۲_ILO_CODE:C۱۲۱۰۰۰::NO::P۱۲۱۰۰۰:https://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:

۸ - از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۹۹ بیش از ۳۰ طرح توسط دولت به منظور ساماندهی کودکان کار و خیابان اجرا شده است (شاه‌علی، ۱۳۹۹ ب).

شرایط آنان است (شاه‌علی، ۱۳۹۹ ب و شبکه یاری کودکان کار و خیابان، ۱۳۹۸)، تقلیل‌گرایی و فردی‌سازی کار کودکان (جدا نمودن رفتار از بستر و زمینه اجتماعی) و کم‌توجهی به عوامل سطوح کلان و میانی (شاه‌علی، ۱۳۹۹ ب) و یا بهبودبخشی به شرایط کار آنان (فقدان رویکرد بین‌بخشی و چندرشته‌ای) بی‌توجهی به ساخت اجتماعی دوران کودکی، کم‌توجهی به تجارب جهانی از لحاظ نوع مواجهه با کار کودکان، کمبود تحقیقات جامعه‌شناختی و غلبه رویکردهای کمی و اثبات‌گرایانه، ابهام نظری در تعیین قلمرو معنایی کودکان کار و بی‌توجهی به تنوع کار کودک در سیاست‌گذاری‌ها (تلقی کودکان کار به‌عنوان گروهی همگن) و وجود خلاء نظری در حوزه جامعه‌شناسی کار کودک (به‌الوترا و ترانانتوس، ۲۰۰۳) می‌باشند. در واقع وضع موجود حاکی از ساده‌بینی و ساده‌نگری نسبت به پدیده پیچیده و چندوجهی کار کودک و اساساً نگاه‌های سطحی، حاشیه‌ای و فرعی به کودکان و در عین حال سیاست‌ها و برنامه‌های نامنظم، تک‌وجهی، منفرد متفرق، ایستا، دیوانسالار، محدود دستوری، قیّم‌آبانه و دولت‌محور و تا حد زیادی بی‌ارتباط با دانش و پشتوانه نظری و تجربی (و تا حدودی نمایشی) است. به عبارت بهتر، سیاست‌گذاری‌ها بنیان علمی لازم را نداشته، بر اقدامات شناختی مکفی استوار نشده‌اند.

از منظر این تحقیق، رویکرد فنی تخصصی حاکم، قادر به درک کار کودک، به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی و امری گفتنی و بازاندیشانه نبوده و از اهمیت تفاسیر فرهنگی و تجارب عملی کودکان در ادراک کار آنان غفلت نموده است. این امر باعث گردیده تا اهمیت زیست‌جهان کودکان و خانواده‌های آنان و ذخیره تفسیری آنان در ادراک دلایل کار مورد غفلت قرار گیرد. پیامد این امر، افزایش شکاف بین سیاست‌گذاران و ضوابط و مقررات تحدید کار کودکان با دانش و تجربیات و ادراکات ذهنی و بین‌الذهنی کودکان و خانواده‌های آنان می‌باشد. این موارد یعنی خلاء نظری و تحقیقی و ناکارآمدی برنامه‌ها، به‌علاوه بی‌قدرتی و بی‌صدایی کودکان در اجتماع - که می‌تواند حاصل نگاه حاشیه‌ای و فرعی و موقعیت فرودست آنان در جامعه باشد (جیمز و دیگران: ۱۳۹۷) - و نمود کم‌رنگ دوران کودکی در علوم اجتماعی کشور، ایده اصلی تحقیق حاضر را روشن ساخته است. تجربه‌های زیسته محقق به‌عنوان کودک کار، نوع مواجهه‌ایی که با کودکان کار داشته، تحصیل در رشته جامعه‌شناسی و تاثیرات بینشی و روشی آن، اشتغال به عنوان کارشناس بازار کار و تجربه‌های مطالعه این پدیده به روش کمی^۱، مجموعاً هم در سوق دادن محقق به سمت جامعه‌شناسی دوران کودکی و هم در انتخاب و طراحی موضوع تحقیق نقش داشته است.

این پژوهش می‌کوشد از طریق شناسایی فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری پدیده کار کودک، تا حدودی به شناخت این پدیده و از این طریق، به پیوند دانش و سیاست‌گذاری یاری رساند

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پیشینه تجربی

با عنایت به موضوع، پرسش‌ها، اهداف تحقیق و نگاه محقق به جهان اجتماعی و ماهیت واقعیت، پارادایم تفسیری برای هدایت مسیر تحقیق و ساخت چارچوب مفهومی انتخاب شد و سعی شد مستقیماً به منبع دانش، یعنی کودکان کار و بزرگسالانی که دارای تجربه کار در کودکی هستند، رجوع شود و فرایندهای اجتماعی در حال شدن را واکاوی کند. اما برای ورود به عرصه و میدان تحقیق، از راهنمایی پژوهش‌های پیشین (داخلی و خارجی) مانند زارعی و همکاران (۱۴۰۰)، پوزیده (۱۴۰۰)، یزدان‌پناه (۱۴۰۰)، قاسمی و همکاران (۱۴۰۰)، خانجانی و همکاران (۱۴۰۰)، عامری و همکاران (۱۴۰۰)، مقدسی و همکاران (۱۴۰۰)، صالحی و همکاران (۱۴۰۰)، هوشمند و همکاران (۱۴۰۰)، طاهری و همکاران (۱۴۰۰)، شفیع (۱۳۹۹)، راغبی و محمدی (۱۳۹۹)، خندان و همکاران (۱۳۹۹)، محمدپوربیدی و همکاران (۱۳۹۸)، شهرکی و قادری (۱۳۹۷)، بیگل، دهجیا و گتی (۲۰۰۴)، آرانسیولا و جاستوس (۲۰۱۷)، کی‌رال، گلشن، تیراش و فتیح (۲۰۱۳)، چی‌والا (۲۰۱۰)، سرکار و سرکار (۲۰۱۲)، فرنانز و آبوسهجو (۲۰۱۴)، ادمونز و شادی (۲۰۱۱)، آکارو و متیو (۲۰۱۱) و لطیف، شوکت و عبدالله (۲۰۱۶) استفاده شد.

وجه مشترک این مطالعات این بود که به‌رغم تنوع و گستردگی، به ندرت از روش کیفی برای مطالعه پدیده کار کودک استفاده شده است. عمده این پژوهش‌ها، توصیفی و به کودکان هم‌چون قربانیانی نگریسته شده که گویی ناخواسته و بدون حق انتخاب به کار گمارده شده‌اند. در کمتر پژوهشی به این مسأله پرداخته شده است که کودکان چگونه کار خود را تفسیر می‌کنند، می‌فهمند و درک می‌کنند. در این مطالعات به‌ندرت سطوح خرد و کلان و رابطه عاملیت و ساختار در شکل‌گیری کار کودک و بازتولید آن مورد مطالعه قرار گرفته است.

۹ - محمدصادقیان، حسن (۱۳۸۶). بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر کار کودک در شهر تهران. تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی.

۲-۲- پیشینه نظری

در حوزه کار کودکان، علاوه بر ضرورت بررسی پیشینه تجربی، آشنایی با پیشینه نظری و برخی رویکردها و دیدگاهها، با هدف شکل‌گیری حساسیت نظری، ایجاد فضای نظری گسترده جهت امعان نظر بر سطوح مختلف پدیده (خرد، میانی و کلان و نیز اشکال متنوع کار کودک و بررسی تجارب، گرایش‌ها و تمایلات مشارکت‌کنندگان) و کمک به محقق در جهت طراحی مصاحبه‌ها و ورود به میدان تحقیق حائز اهمیت است.

الف) برخی دیدگاه‌های نظری سطح خرد

نظریه نظام‌های بوم‌شناختی بروفن برنر^{۱۰}

بطور کلی این نظریه در پاسخ به این سؤال که چگونه رشد کودک تحت تأثیر روابط اجتماعی و جهان پیرامون وی قرار می‌گیرد، کوشیده است با سطح‌بندی نظام‌های خرد، میانی، برونی، کلان و زمانی؛ نظریه‌ای فراگیر ارائه دهد. تمامی کنش‌های مستقیم فرد با خرده‌نظام‌های خانواده، مدرسه، محیط کار و غیره بررسی می‌شوند و در تحلیل نظام‌های خرد می‌گنجد. در نظام میانی، روابط و تعامل خرده‌نظام‌ها با یکدیگر است که زندگی کودک و خانواده وی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال اگر خانه و مدرسه روابط صمیمانه و به دور از تنش داشته باشند، بر زندگی کودک و تحصیل او تأثیر مثبت و سازنده‌ای خواهد داشت. پدیده‌هایی چون طلاق، بیکاری، اعتیاد پدر و مادر در نظام برونی جای داده می‌شوند که نه تنها خارج از اختیار و اراده کودک می‌باشند بلکه خرده‌نظام‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. نظام کلان دربرگیرنده ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که نه تنها بر فرد بلکه بر خرده‌نظام‌ها و روابط بین آنها تأثیرگذار هست. در این نظریه توجه به بعد زمان و نشان دادن اهمیت آن در زندگی و آینده کودک موجب گردیده است که نه تنها همزمانی رویدادها با دوره کودکی، نوجوانی، جوانی و غیره بررسی شوند، بلکه رویدادهای مهم و یکنایی (منحصر به فرد) مطالعه شوند که زندگی فرد و خانواده وی را تحت تأثیر عمیق خود قرار می‌دهند (بروفن، برنر، ۱۹۹۴). از آن جا که بنیان این نظریه بر تحلیل کنش متقابل و روابط بین افراد و خرده‌نظام‌ها استوار می‌باشد، می‌تواند بازتاب روش‌مندی از واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی را ارائه دهد. با وجود آنکه این نظریه برای تبیین واقعیت‌های اجتماعی دست‌مایه‌هایی درخور توجه در اختیار دارد، اما از بزرگ‌ترین چالش‌های آن، می‌توان به تحلیل روابط شبکه‌ای و پیچیده بین خرده‌نظام‌ها و نظام‌های میانی و کلان یاد کرد.

نظریه کار کودک به عنوان ابزار تحقق خود^{۱۱}

برطبق این نظریه، کودکان به دلیل تحقق خویشتن تمایل به انجام کار دارند. حتی اگر به لحاظ اقتصادی به درآمد آن نیاز نداشته باشند و فقر خانوار و لزوم حمایت از خانواده نیز آنها را مجبور به انجام کار ننماید. از این رو بسیاری از کودکان طبقه متوسط به کار پاره‌وقت روی می‌آورند و به دنبال مشاغل پاره‌وقت هستند. برطبق اعلامیه سازمان بین‌المللی کار، کار عنصر ضروری حیات انسانی و شیوه‌ای برای مشارکت در جامعه و اقتصاد است. برطبق این اعلامیه، کار عاری از بهره‌کشی به رشد و تکامل احساسی کودکان و استقلال آنها و همچنین جذب آنها در جامعه بزرگ‌تر کمک می‌کند. بسیاری از کودکان بر این باورند که کار در این دوره شیوه مناسبی برای آموزش و ورود به جهان بزرگسالی و موفقیت‌های آتی است. آن‌ها کار را آمادگی برای آینده بزرگسالی خود می‌دانند. عامل دیگری که کودکان را ترغیب به کار می‌کند، استقلال اقتصادی و روان‌شناختی آن‌هاست. در مجموع برطبق این نظریه، کار برای کودکان، ایجادکننده انگیزش و تعاملات اجتماعی بیشتر است.

۱۰ - Ecological Systems Theory

۱۱ - Child labor as a means of self-actualization

رویکرد کودک محور^{۱۲}

این رویکرد در چارچوب رویکردهای مبتنی بر حقوق قرار دارد که در طی دهه‌های گذشته با توجه به تزییع حقوق اساسی کودکان بسط و توسعه یافته است. این رویکرد مورد حمایت سازمان‌هایی نظیر یونیسف و سازمان‌های غیردولتی است. طرفداران این رویکرد از حق کودکان برای کار حمایت می‌کنند لذا در این دیدگاه، کودکان ابره‌های منفعل یا قربانیان صرف بهره‌کشی و استثمار نمی‌باشند. آن‌ها نسبت به نیازهای خود واقف‌اند و قادر به بیان عقاید خود می‌باشند. لذا طرفداران این رویکرد بر این باورند که باید دیدگاه کودکان و نیازهای آنها در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کار کودک مورد توجه قرار گیرد زیرا بدون شناخت دیدگاه کودکان و تجارب آنها در این زمینه، مداخلات سیاسی در رابطه با کار کودک غیر موثر و از واقعیت‌های عملی - که کودکان و خانواده‌های آنها با آن مواجه‌اند - فاصله خواهد داشت. براساس این رویکرد معانی و تعاریف موجود از کودک، کودکی و کار کودک تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساخت می‌یابد. براین اساس تجارب مثبت یا منفی کودکان از کار، وابسته به تعریفی است که در آن جامعه از کار ارائه می‌شود. به عبارت دیگر تجربه کودکان از کار و کار کودک پیش از آنکه متأثر از نوع کار باشد از ارزش‌هایی تأثیر می‌گیرد که در هر جامعه نسبت به کار کودکان وجود دارد (مایرز و دیگران، ۱۹۹۸).

نظریه انتخاب عقلانی

در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. این افراد آگاه، مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. نظریه انتخاب عقلانی، کار فاعلانی را عاقلانه می‌داند که در چارچوب اعتقاداتشان، نسبت به شقوق ممکنه با توجه به عواقبشان، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایتشان بهترین راه باشد (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۹ به نقل از جواد یگانه). مهم‌ترین ریشه درون جامعه‌شناسی نظریه انتخاب عقلانی، رویکرد جامعه‌شناسی رفتاری و شالوده اصلی تئوری انتخاب عقلانی از تئوری مبادله‌ای هومنز (۱۹۶۱) ریشه می‌گیرد که خود متأثر از مفروضات روان‌شناسی رفتارگراست. ارگانسیم‌گراها رفتار قابل مشاهده انسان را در ارتباط با عوامل زیستی - روانی نظیر احساس، انگیزه و تمایلات انسان تحلیل می‌کنند. مطابق این دیدگاه در تحلیل کار کودک توجه به ویژگی‌های زیستی و روانی کودکان از جمله سلامت یا نقص جسمانی و روانی، انگیزه، علاقه و احساس بهره‌مندی آنان از امکانات اجتماعی نیز ضروریست. همچنین مطابق این دیدگاه روی آوردن به بازار کار و فعالیت اقتصادی برای برآورده کردن نیازهای خاصی از کودک، سودمند است و این عمل نوعی سازگاری عقلانی با زمینه خاصی از محیط کودک، شرایط و تجربیات گذشته او و شرایط قابل دسترسی برای کنش اوست. در پرتو این رهیافت، برخلاف تلاش برای خروج کودکان از بازار کار، روش‌های پیشرو می‌توانند بر شناسایی نقاط قوتی مبتنی باشند که براساس آن کودکان کار می‌توانند مهارت‌های لازم را جهت حفظ بقاء خود بر آن بنا کنند و توسعه دهند. از سوی دیگر تقاضا برای کار کودک به مثابه نیروی کار ارزان و مطیع نوعی محاسبه‌گری عقلانی از سوی کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی و نیز عرضه کودکان به بازار کار از سوی برخی خانواده‌ها به قصد کسب درآمد و کمک خرج اقتصادی خانواده مبتنی بر نوعی محاسبه‌گری و انتخاب عقلانی محسوب می‌شود.

ب) برخی دیدگاه‌های نظری در سطح میانه

نظریه کار کودک به عنوان پیامد و نتیجه پویایی‌های خانواده

بر طبق این نظریه، کار کودک نتیجه شکست در ارزش‌ها و نیز تصمیم‌های غیرمسئولانه و ناآگاهانه والدین است و اغلب کودکان در کشورهای در حال توسعه، عمدتاً به دلیل کمک به خانواده‌های خود جذب بازار کار می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد که اغلب کودکان به تقاضا و درخواست خانواده‌های خود به کار روی می‌آورند. آن‌ها خود را بخشی از خانواده و موظف به کمک به درآمد آن می‌دانند، بالاخص در مواقعی که خانواده‌شان برای بقاء به کمک آنها نیاز دارند. بسیاری از کودکان احساس خوب و رضایت‌بخشی نسبت به کمک و حمایت از خانواده‌هایشان دارند. در برخی از موارد نیز ترس و نگرانی از تهیایی و از دست دادن حمایت خانواده‌شان آنها را مجبور به کار می‌نماید. با این حال قوانین و مقررات موجود که بر منع کار کودکان تاکید دارد، یکی از علل اصلی نگرانی کودکان کار می‌باشد. آن‌ها این مقررات را تهدیدی برای خود می‌دانند. آن‌ها مقررات و استانداردهای مربوط به حداقل سن کار را تهدیدی برای کار و حمایت

و کمک به خانواده‌هایشان می‌دانند. آن‌ها با توجه به دلایل مذکور خود را مستحق برخورداری از حق کار می‌دانند. چنین دلایلی باعث گردیده تا بسیاری از اقدامات و تمهیدات اتخاذ شده جهت منع و ریشه‌کنی کار کودک مورد چالش قرار گیرد (مایرز و بوبلون، ۱۹۹۸).

نظریه آنومی خانواده

ویلیام گود با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین مرجع اجتماعی‌کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت کجرو و پیدایش مسائل اجتماعی دخیل می‌داند. به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف خود را به طور مناسب انجام دهند گسیختگی خانواده به وجود می‌آید. گسیختگی خانواده معلول عوامل زیر است: فقدان یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ یا طلاق، وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که علی‌رغم زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر اما از کارکردهای کنشی متقابل برخوردار بوده و نسبت به یکدیگر از همدلی برخوردار نیستند. به نظر گود خانواده نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی و عاطفی فرزندان و اعضای خود ایفاء می‌کنند. به‌علاوه این نهاد به جریان شناخت خود، کشف خویشتن و هویت‌یابی فرد کمک می‌نماید، نقش عمده‌ای در یادگیری، تربیت و آموزش اعضا به عهده دارد و بالاخره خانواده منبع رشد و شکوفایی استعدادها و فرزندان و اعضای خود بشمار می‌رود (مستمع، رضا (۱۳۹۶) به نقل از محسن تبریزی؛ ۱۳۸۳). از این رو از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده، عدم ایفای صحیح نقش‌های خانوادگی، احساس ناامنی در محیط خانواده به دلیل مشاهده رفتارهایی چون بدخلقی، ملامت، سرزنش از سوی والدین، زمینه‌ساز جدا ماندن کودکان از محیط خانواده می‌گردد و آنان را مجبور به تلاش برای کسب روزی در محیط بیرون خانواده می‌نماید (قائم، ۱۳۹۰: ۵۶).

نظریه فقر

بر طبق نظریه فقر^{۱۳} کودکان تنها زمانی به کار روی می‌آورند که خانواده‌های آنان ناتوان از رفع نیازهای اساسی آنان باشند. برطبق این نظریه فقر خانوار و سرپرستان تنها علت پیدایش و گسترش کار کودک نمی‌باشد. فقر کارفرمایان نیز یکی از علل بنیادین پیدایش کار کودک است. به عبارت دیگر در کنار فقر خانواده‌ها، فقر کارفرمایان نیز باعث می‌شود تا کودکان به سهولت به نیروی کار ارزان تبدیل شوند. در مجموع فقر رابطه تنگاتنگی با کار کودک دارد. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که فقر شدید یکی از علل ایجادکننده کار کودک در اغلب کشورهای درحال توسعه می‌باشد. در کنار فقر خانواده، سایر متغیرها نظیر اندازه خانوار، ساختار سکونت‌های انسانی، جغرافیای نواحی و عملکرد نهادهای اجتماعی نیز در پیدایش کار کودک و گسترش آن مؤثر است. مطالعات اخیر نشان می‌دهند که کار کودک عمدتاً در خانواده‌های فقیر و نابسامان و همچنین در خانوارهای پرجمعیت رایج می‌باشد (راکی و دیگران، ۲۰۱۱).

نظریه فرهنگ فقر

به اعتقاد لوئیس، فرهنگ فقر، فرهنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه‌داری و توسعه جوامع شهرنشین به وجود آمده است. فرهنگ فقر از یک طرف ناشی از عدم برخورداری از امکانات و زیستن در شرایط فقیرانه بوده و از سوی دیگر، محصول زندگی در جوار و نه در درون فضایی است که شما در آن شرایط، زندگی مرفه را هم می‌بینید (فاضلی، ۱۳۸۵ به نقل از لوئیس). به اعتقاد لوئیس، خرده فرهنگ فقر وسیله‌ای فرهنگی است برای سازگاری با مشکلات و مقابله با نومی‌ها و همچنین واکنشی است که قشرهای فقیر، آن را برای مقابله با بی‌ارچی خود در نظام‌های طبقاتی و اقتصاد مبتنی بر سرمایه مناسب می‌یابند. بنابراین از نظر لوئیس، فرهنگ فقر مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگی‌های خانوادگی، رفتاری، نگرشی و شخصیتی است که فقرا در طول زندگی خویش، در شرایط نامساعد مالی به آن عادت کرده‌اند و با آن سازگار شده‌اند. این فرهنگ بیشتر در جوامعی دیده می‌شود که به سرعت دگرگون می‌شود و بر گروه‌های فرودست جامعه حاکم می‌گردد. آنها به سبب دگرگونی‌های سریع و وسیع در جامعه و موقعیت پایینی که برای خویش احساس می‌کنند، از جامعه جدا شده و فاصله می‌گیرند و کم‌کم فرهنگ جدیدی را که با فرهنگ عموم جامعه متفاوت است، ایجاد می‌نمایند.

^{۱۳} - The theory of poverty

از منظر لوئیس عمدت‌ترین ویژگی‌های فرهنگ فقر در سطح جامعه، عدم مشارکت آنها در فعالیت‌های عمومی، پایین بودن سطح تشکل و فقدان انجمن‌های داوطلبانه؛ و در سطح خانواده به کوتاه بودن دوران کودکی به گونه‌ای که فرزندان در سنین پایین وظایف بزرگترها را به عهده می‌گیرند، محرومیت کودکان از حمایت‌های لازم خانوادگی، روابط ناسالم در خانواده، آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه، مرکزیت مادر در خانواده، سرپرست خانوار بودن زن، فقدان حریم خصوصی، آمادگی زیاد برای این که شخصیت افراد زورپذیر بار آید، تاکید بر لزوم همبستگی خانوادگی و یگانگی افراد آن (اما تنها به زبان نه در عمل)، رقابت برای به دست آوردن وسایل زندگی، استقلال نسبی فرزندان برای انجام برخی فعالیت‌های بزه‌کارانه است.

از نظریات لوئیس استنباط می‌شود که وی دارندگان چنین فرهنگی را محصور در دنیای خود می‌داند. عدم برخورداری از امکانات و محدودیت ارتباط با گروه‌های غیرهمگن، بستری را فراهم می‌کند که در آن زمینه آگاهی و حتی اعتماد به وجود شرایط بهتر را نه تنها سرکوب می‌کند، بلکه آن‌ها را در نوعی خلسه و بی‌تفاوتی به تغییر شرایط موجود فرو می‌برد.

براساس این نظریه، توجه به وضعیت محیط خانوادگی، فقر، مهاجرت و پیامدهای گسیختگی و فروپاشی ساخت خانواده و خرده فرهنگ‌های شهری قابل توجه است.

ج) برخی دیدگاه‌های نظری سطح کلان

دیدگاه مارکسیستی کار کودک

در این دیدگاه، شرایط مادی یا هستی اجتماعی انسان، فرهنگ و اندیشه انسان را تعیین می‌کند. انسان اول باید زنده بماند تا بتواند تاریخ بسازد. بنابراین انسان پیش از هر چیزی در بند پاسخ به نیازهای زیستی و اساسی است. میزان رشد نیروهای مولد، نوع رابطه انسان با طبیعت، شیوه پاسخ به نیازهای اساسی و به تبع آن نوع رابطه انسان با انسان را تعیین می‌کند (عبداللهی، محمد به نقل از مارکس، ۱۹۷۳: ۳۰). دیدگاه مارکسیستی کار کودک، ریشه در مفهوم طبقه دارد. از نظر مارکس طبقه اشاره به روابط متناقض بین گروه‌ها با منافع متضاد و همچنین جایگاه این گروه‌ها در درون نظام تولید اقتصادی دارد. برطبق این دیدگاه کار کودک نشانه استثمار، بهره‌کشی و نابرابری‌های درآمدی در جامعه و نظام سرمایه‌داری می‌باشد. بنابراین کار کودک برای بقاء اقتصاد سرمایه‌داری، انباشت سرمایه و به حداکثر رساندن سود - براساس منطق اساسی نظام سرمایه‌داری - ضروری می‌باشد. به اعتقاد وی این هدف از طریق کار طولانی‌مدت کودکان کار و دستمزدهای ناچیز و همچنین نقض قانون کار در شیوه تولید مدرن ممکن می‌گردد. شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهند که کار کودک در خلال انقلاب صنعتی انگلستان گسترش یافته است (کارولین، ۲۰۰۱).

کارولین توتل^{۱۴} به دو رویکرد خوش‌بینانه و بدبینانه نسبت به کار کودک در انگلستان اشاره می‌کند. رویکرد خوش‌بینانه، که عمدتاً از سوی سرمایه‌داران و پیوریتن‌ها مطرح گردیده است، از کار کودک دفاع می‌کند. در این گروه افرادی نظیر یوری و حال و ملی، کار کودک را برای جامعه سودمند می‌دانند. زیرا کار برای کودکان و خانواده‌هایشان و در مجموع کل کشور ثمربخش می‌باشد و سهم عمده‌ای در کسب درآمد خانوار دارد. از سوی دیگر پرداخت دستمزدهای حداقلی به کودکان برای کارفرمایان در بازار کار نوعی مزیت رقابتی ایجاد می‌کند و توانایی چانه‌زنی در رقابت کارفرمایان در بازار کار را افزایش می‌دهد. متقابلاً در رویکردهای بدبینانه، که عمدتاً از سوی وبر، مارکس و انگلس مطرح گردیده است، کار کودک غیرانسانی شناخته می‌شود؛ از آن جهت که باعث بهره‌کشی و استثمار کودکان و مانع از شکوفایی آنان می‌گردد (همان منبع).

رویکرد فرهنگی به کار کودک

بر طبق این رویکرد، کار کودک رابطه تفکیک‌ناپذیری با بسترها و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی دارد. مطالعه انجام شده در چارچوب این رویکرد بالاخص در جوامع در حال توسعه نشان می‌دهد که کار کودکان در این جوامع به لحاظ فرهنگی و اجتماعی هیچگونه مغایرتی با رشد کودکان ندارد. به عبارت دیگر کار کودک نه تنها با رشد کودکان در تضاد نمی‌باشد، بلکه در شکوفایی آنان و همچنین تبدیل کودکان به افرادی مسئول در آینده و در نتیجه در

۱۴- Carolyn Tuttle

مسئولیت‌پذیری‌شان مؤثر می‌باشد. مطالعات انجام شده در برخی از جوامع نظیر گواتمالا نشانگر ریشه‌های عمیق و سستی کار کودک و همچنین تفکیک جنسیتی کار بین کودکان دختر و پسر می‌باشد. از نظر فرهنگی کار کودک در این جوامع شکلی از آموزش و جامعه‌پذیری قلمداد می‌گردد. لذا کار کودک به لحاظ هنجاری نوعی ارزش تلقی می‌شود و رفتار و عملی قابل پذیرش از سوی جامعه به شمار می‌آید. بسیاری از والدین و خانواده‌ها در این جوامع، کار کودک و مشارکت کودکان در کار را نوعی وظیفه فرهنگی می‌دانند که در تبدیل کودکان به بزرگسالانی مسئول و پاسخگو کمک می‌کند. لذا در برخی از موارد کودکان در این جوامع، نه به دلیل فقر و بی‌سوادی، بلکه به لحاظ ارزش‌های فرهنگی و سستی موجود در این جوامع به کار مشغول می‌شوند (بوردیون، ۲۰۰۶). بخش عمده‌ای از این رویکرد تلویحاً در سیاست‌گذاری‌های سازمان بین‌المللی کار پذیرفته شده است. تمایز مفهومی سازمان بین‌المللی کار بین *child labour* و *children works* اهمیت تعریف کار کودک و دیدگاه‌های فرهنگی را در این زمینه نشان می‌دهد.

رویکرد اقتصادی - سیاسی کار کودک

این رویکرد بر سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی و همچنین تأثیر آن بر ایجاد کار کودک تأکید می‌کند. بر طبق این رویکرد سیاست‌های کلان اقتصادی که توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر کشورهای در حال توسعه تحمیل گردیده و آنچه که به اجماع واشنگتنی موسوم است، کشورهای فقیر و در حال توسعه را ناگزیر به باز کردن درهای اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه نموده است. اعمال چنین سیاست‌هایی به گسترش فقر، افزایش نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی، رکود، بیکاری، تورم و کاهش سطح برنامه‌های رفاهی و حمایتی در این کشورها انجامیده است. بر طبق این رویکرد، سیاست‌های تعدیل ساختاری تأثیر مخربی بر زندگی کودکان حتی در روستاهای دور افتاده داشته است. پیامد این سیاست‌ها گسترش کارهای غیردستمزدی^{۱۵} در خانه و اجتماع بوده است (دیاموا، ۲۰۲۱).

رویکرد طرد اجتماعی^{۱۶}

طرد اجتماعی که سازهای پویا و چندبعدی است و در دهه‌های پایانی قرن بیستم جایگزین مفهوم کلاسیک فقر در تبیین مسائل اجتماعی گردیده است، بر نارسایی نهادهای اجتماعی و تأمین انسجام اجتماعی اشاره دارد. به اعتقاد کاستلر، اقتصاد نوین جهانی دارای منطقی نابرابر است و بخش بزرگی از جمعیت در نتیجه وارد شدن در اقتصاد جهانی دچار طرد اجتماعی می‌شوند. برگمن (۱۹۹۵) طرد اجتماعی را عبارت از تجزیه یا عمل به نظام‌های اصلی اجتماعی می‌داند که می‌بایست حقوق شهروندی را تضمین کند. این نظام‌ها شامل نظام قانونی دموکراتیک برای فراهم ساختن انسجام مدنی، نظام بازار کار برای ایجاد انسجام اقتصادی، نظام رفاهی برای ایجاد انسجام اجتماعی و نظام خانواده و اجتماع محلی برای ایجاد انسجام بین افراد می‌باشند. نقطه مقابل طرد اجتماعی، پذیرش اجتماعی است که از نظر آمارتیاسن (۲۰۰۱) به معنای تجربه اجتماعی مشترک در جامعه، مشارکت فعال ناشی از فرصت‌ها و شانس‌های زندگی برابر و نیز دستیابی به میزان پایه‌ای از بهزیستی برای آحاد شهروندان است. تأکید اصلی فقر همواره بر دستیابی به منابع در جهت تأمین نیازها بوده است، اما مفهوم طرد بر جامعه و بر فقدان مشارکت اجتماعی، موقعیت اجتماعی و حقوق اجتماعی تأکید می‌کند. فقر بر درک اقتصادی از کیفیت زندگی و طرد اجتماعی بر درک اجتماعی از کیفیت زندگی مبتنی است. تفاوت دوم در این است که فقر مقوله‌ای توزیعی و طرد اجتماعی مقوله‌ای ارتباطی است. طرد اجتماعی، روابط میان فقر مالی، بی‌خانمانی، ترک تحصیل، فقدان مهارت‌های شغلی و محرومیت از امکانات سلامت را شامل می‌شود، یعنی علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی، ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قانونی و جمعیتی را نیز شامل می‌شود. در رابطه با کودکان کار نیز مفهوم طرد اجتماعی به دنبال محلیت‌های مرتبط با مفهوم فقر و رابطه آن با کار کودک می‌باشد. کودکان کار غالباً به عنوان کودکانی معرفی گردیده‌اند که در خانواده‌های کم درآمد و فقیر زندگی می‌کنند. اکثر مطالعات اجتماعی انجام شده در این زمینه بر رابطه فقر درآمدی خانوارها و کار کودکان تأکید شده است. با این حال در تقابل با فقر درآمدی، مفهوم طرد اجتماعی و سیاسی بیشتر به جامعه‌ای اشاره دارد که در آن زندگی می‌کنند. کودکان کار عمدتاً کودکانی محروم از خدمات اساسی نظیر: سلامت، آموزش و مسکن مناسب می‌باشند. آن‌ها از حمایت‌های

۱۵ - unpaid works

۱۶ - Social Exclusion

اجتماعی محروم‌اند و قدرت کنترل بر رویدادهای مؤثر بر زندگی‌شان را ندارند. اغلب این کودکان به دلیل کمک به خانواده، عدم دستیابی به فرصت‌های آموزشی و غفلت یا بی‌توجهی خانواده‌ها و همچنین دیگر محرومیت‌های اجتماعی، به کار روی می‌آورند.

رویکرد حمایت‌گرای لغو کار کودک^{۱۷}

بسیاری از دولت‌های ملی در جهان به این رویکرد اعتقاد دارند و سیاست ملی‌شان را برپایه آن استوار کرده‌اند. این رویکرد از دو منظر انسان‌گرایی و حقوق بشر و همچنین از جنبه اقتصادی بر الغای کار کودک تأکید می‌نماید. در چارچوب این رویکرد، کودکان افرادی آسیب‌پذیر و ناآگاه از جهان شناخته می‌شوند که نیاز به حمایت از جانب بزرگسالان دارند. براین اساس، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی امری مضر برای کودکان تلقی می‌شود. بنابراین کودکان تنها با فاصله گرفتن از کار است که فرصت رشد می‌یابند. از منظر اقتصادی نیز این رویکرد نگران ورود کودکان به بازار کار می‌باشد، زیرا ورود کودکان به بازار کار می‌تواند به افزایش بیکاری، کاهش سطح دستمزدها و دائمی شدن فقر منتهی گردد. امری که باعث بدتر شدن شرایط کار و فقر طبقه کارگر می‌شود (مایرز، ۲۰۰۱). طرفداران این رویکرد خواه از منظر انسان‌گرایانه و خواه از منظر اقتصادی، کار و مشارکت کودکان (اعم از کار تمام‌وقت یا پاره‌وقت) در فعالیت‌های اقتصادی را امری نادرست می‌دانند. از این‌رو این رویکرد اعتقادی به تجارب مثبت کار کودکان ندارد. لذا این موضوع که کار کودکان می‌تواند باعث افزایش اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری آنان در آینده شود و این که کار کودکان سازوکاری برای اجتماعی شدن آنان است با این رویکرد در تضاد می‌باشد. در مجموع این رویکرد اهمیت کار کودکان برای بقاء خانواده‌هایشان و تلاش آنان برای سازگار نمودن کار و مدرسه را نادیده می‌گیرد (مایرز، ۲۰۰۱).

رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی^{۱۸}

در این رویکرد، مسأله کار کودک نتیجه نابرابری‌های اجتماعی است تا توسعه‌نیافتگی اقتصادی. بنابراین مسأله کار کودک صرفاً از طریق کاهش فقر یا حذف و ریشه‌کنی کار کودک حل و فصل نمی‌گردد. از این دیدگاه، کودکان کار قربانیان نظام مستقر می‌باشند. این رویکرد تلاش می‌کند تا از طریق افزایش شمول اجتماعی^{۱۹} مشکلات گروه‌های حاشیه‌ای و محروم (کودکان کار) را رفع نمایند. برای تحقق هرچه بیشتر شمول اجتماعی، نه‌تنها تغییر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های محروم و حاشیه‌ای (کودکان کار) ضروری است، بلکه تغییر نگرش و جهت‌گیری‌های کل جامعه نیز حائز اهمیت است. در این رویکرد بر توانمندسازی، آموزش و بسیج گروه‌های محروم و حاشیه‌ای تأکید می‌شود. توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر و بسیج سیاسی این گروه‌ها به منظور ایجاد دولت‌های پاسخگو و مسئول امری ضروری است. این امر از طریق حساس کردن کل جامعه نسبت به مطالبات و حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر از طریق رسانه‌های جمعی و ارتباطی ممکن می‌گردد. بسیج سیاسی گروه‌های آسیب‌پذیر و درنهایت کل جامعه، یکی از اهداف سازمان‌های غیردولتی حامی کودکان کار است. با این حال تأکید مضاعف این رویکرد بر عوامل اجتماعی باعث گردیده است تا نقش عوامل اقتصادی مؤثر در ایجاد کار کودک نادیده گرفته شود. در حالی که برقراری موازنه بین عوامل اجتماعی و اقتصادی و توجه همزمان به هر دو جنبه موضوع در تبیین کار کودک امری ضروری و حائز اهمیت است. در مجموع در این رویکرد بر توانمندسازی کودکان کار و تبدیل آنان به مشارکت‌کنندگان فعال با هدف رفع مشکلات آنان تأکید می‌شود (ساپوتری، ۲۰۱۸).

نظریه سرمایه انسانی^{۲۰}

۱۷ - Supportive approach to abolishing child labor

۱۸ - Social responsibility approach

۱۹ - social inclusion

۲۰ - Human capital theory

این نظریه کار کودک را نتیجه توسعه‌نیافتگی اقتصادی در سطح کلان و فقر عمومی در سطح خرد می‌داند. بر اساس این نظریه آموزش کودکان نوعی انباشت سرمایه برای آینده محسوب می‌شود. بنابراین کار کودک عاملی مضر و زیان‌بار در دستیابی به چنین انباشتی می‌باشد که در کوتاه‌مدت به ترک تحصیل و واماندگی کودکان از تحصیل و در بلندمدت به کاهش رشد و توسعه اقتصادی ملی منجر می‌شود. کار کودک هم‌چنین علت فقر و مولد آن است. بسیاری از کودکان به دلیل فقر و برای بقا خانواده‌های خود مجبور به انجام کار می‌باشند. امری که در عمل مانعی عمده در جهت انباشت سرمایه انسانی در آینده می‌باشد و باعث تداوم و بازتولید فقر از نسلی به نسل دیگر می‌شود. بنابراین حذف و ریشه‌کنی فقر و افزایش رشد اقتصادی از طریق آموزش کودکان هدف اصلی رویکرد سرمایه انسانی می‌باشد. بر طبق این رویکرد، یادگیری و کسب مهارت عمدتاً از طریق تحصیلات رسمی و تجربیات کار و زندگی به دست می‌آید. این رویکرد کار کودک را مادامی که مانع از تحصیل کودکان نباشد رد نمی‌کند. پس در این رویکرد، بر توسعه مشاغل پاره‌وقت بالاخص در خانواده‌های فقیر تأکید می‌شود. در این رویکرد از سیاست‌های مختلفی نظیر پرداخت یارانه تحصیلی، طراحی برنامه‌های آموزشی منعطف، ایجاد فرصت‌های درآمدزایی برای والدین، ارتقاء کیفیت آموزش در مدارس از طریق آموزش معلمان، بهبود و ارتقای مواد درسی و جذاب نمودن تحصیل و مدرسه برای کودکان به عنوان استراتژی‌هایی جهت انباشت سرمایه انسانی و جلوگیری از کار کودکان استفاده می‌شود (بیکر، ۱۹۶۴).

نظریه مدرنیستی کار کودک

نظریه مدرنیستی کار کودک، توسعه‌نیافتگی را علت شیوع و گسترش کار کودک می‌داند. بر طبق این نظریه راه‌حل کار کودک مدرنیته می‌باشد. بر طبق این نظریه، کار کودک پدیده‌ای نابه‌هنگام و مشخصه جوامع سنتی است که در آن کودکان به منزله دارایی و منابع اقتصادی خانواده‌ها در نظر گرفته می‌شوند. لذا کار کودک را می‌توان از طریق توسعه و مدرنیزاسیون اصلاح نمود. به عبارت دیگر کار کودک از طریق بسط دولت‌های مسئول و پاسخگو، حرکت آزاد کار و سرمایه، ایجاد بازارهای آزاد، گسترش و بسط فرایندهای دموکراتیک و شکل‌گیری آزادی‌های حقوقی و انسانی در جامعه مرتفع می‌گردد. بر طبق این نظریه، تداوم کار کودک در اقتصادهای توسعه‌نیافته و تازه صنعتی شده را می‌توان به واسطه شکست و ناکامی آنها در تحقق کامل مدرنیزاسیون تبیین نمود. نظریه مدرنیستی، کار کودک را مبتنی بر دو فرض اصلی می‌داند:

✓ صنعتی شدن منجر به رشد اقتصادی می‌شود.

✓ فناوری‌های نوین و نوآوری‌ها باعث کاهش کار کودک می‌شود.

فناوری‌های نوین باعث می‌شود تا کارهایی که تا آن زمان به طور سنتی و متعارف توسط کودکان صورت می‌گرفت توسط این فناوری‌ها انجام شوند. از این رو رشد اقتصادی و کاربرد فناوری‌های نوین در جامعه روش مناسبی برای مبارزه با کار کودک در هر جامعه‌ای می‌باشد.

در یک جمع‌بندی از بخش پیشینه نظری، می‌توان رویکردها و تلقی‌ها نسبت به پدیده کار کودک را در سه دسته قرار داد. رویکرد نخست را می‌توان «گفتمان رها از کار» نامید. براساس این گفتمان، تأکید بر آن است که کودکان نباید کار کنند. زیرا آن را اولاً نشانه‌ای از توسعه‌نیافتگی و نتیجه و پیامد طرد اجتماعی می‌دانند، ثانیاً وظیفه اساسی کودک را آموزش دیدن و توسعه سرمایه انسانی می‌دانند و ثالثاً با هدف محافظت از کودکان در برابر بهره‌کشی و کار، بر حقوق کودک تأکید می‌ورزند (انیو و دیگران، ۲۰۰۵). مهم‌ترین گفتمان‌های «کودکی رها از کار»، به سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند که مداخله‌های آنها رفاہ تضمین‌شده کودکان را هدف می‌گیرند و احقاق حقوق آنان را دنبال می‌کنند.

دسته دوم رویکردها بر این باورند که کار کودکان دارای معنای اجتماعی- فرهنگی خود بوده. متناسب با بستر^{۲۱} شکل‌گیری و سازگار با خاستگاه‌شان می‌باشند. در دهه‌های اخیر این چشم‌انداز بیشتر شناخته شده و ادبیات مبتنی بر آن از رشد زیادی در مطالعات کودکی برخوردار بوده است. این رویکرد با آن که از حقوق کودک برای محافظت از بهره‌کشی دفاع می‌کند، کودکی را دنباله پیوسته به بزرگسالی می‌بیند (بوردیلون^{۲۲}، ۲۰۰۶).

۲۱ - context

۲۲- Buordillon

دسته سوم رویکردها بر این باورند که بررسی کار کودک نیازمند نگاهی واقع‌بینانه‌تر در واریس بسترهای اقتصادی و سیاسی - تاریخی این پدیده می‌باشد. دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی، تأثیرهای ژرف، متفاوت و پیچیده‌ای بر زندگی مردم و به ویژه جوانان داشته است. این دگرگونی‌ها دربرگیرنده فقر، بدهی، فساد، جنگ، تعارض‌های ژئوپلیتیک، سیاست‌های نامناسب، قانون‌گذاری‌های ناکارآمد و غیره بوده‌اند برای نمونه اجرای برنامه‌های سازگاری (تعدیل) ساختاری^{۲۳} به پیامدهایی چون گسترش کار بدون مزد زنان - چه در خانه و چه در اجتماع - منجر شده است. به این ترتیب کار به زنانی انتقال می‌یابد که تمایل دارند با کودکان‌شان آن را به انجام برسانند و یا این که از کودکان بخواهند که تحت نظارت آنها کار را تمام و کمال انجام دهند.

روش‌شناسی تحقیق

پارادایم پژوهش حاضر، تفسیری و رویکرد کیفی و از میان روش‌های مختلف تحقیق کیفی، روش نظریه‌بنایی^{۲۴} استفاده شد زیرا این روش باتوجه به موضوع و اهداف تحقیق و در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، بهترین روش برای بررسی سیستماتیک فرایندهای مؤثر در شکل‌گیری پدیده کار کودک است. تحقیق با توجه به خلاء نظری، نداشتن مدل‌های پارادایمی از فرایندهای شکل‌گیری کار کودک و پی‌جویی راهکارها و پیشنهادها جهت آرایه به متولیان، براساس نتیجه از نوع بنیادی و کاربردی و براساس هدف از نوع اکتشافی - تبیینی و براساس نوع داده‌ها، تحقیق کیفی محسوب می‌شود.

بستر مطالعه حاضر، شهر تهران تعیین شد.^{۲۵} در این میان با توجه به حجم و گستردگی کودکان کار در شهر تهران و با بهره‌گیری از نتایج برخی تحقیقات (نظیر تحقیق وامقی و همکاران، ۱۳۹۳)، از انواع استراتژی‌های نمونه‌گیری شامل نمونه‌گیری تدریجی، حاکم‌تو^{۲۶}، گلوله‌برفی^{۲۷} و به‌طور پیوسته از نمونه‌گیری نظری^{۲۸} و هدفمند^{۲۹} و معیار اشباع نظری برای انتخاب و مصاحبه با «کودکان کار» (به تعداد ۳۲ نفر) و نیز «بزرگسال مستقر در شهر تهران که تجربه کار کردن در دوران کودکی را داشته‌اند» (به تعداد ۱۸ نفر) بهره گرفته شد.

در این چارچوب، ابتدا در مناطق ۱، ۲ و ۱۲ که کودکان کار حضور گسترده‌تر و پررنگ‌تری دارند^{۳۰}، براساس نمونه‌گیری نظری، حدود ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان انتخاب و مصاحبه‌های مقدماتی صورت گرفت و تلاش شد محقق خطوط کلی نظریه خود را طراحی کند در ادامه محقق سعی کرده است با هدف پالایش نظریه و همچنین جمع‌آوری اطلاعات مفیدتر و مقوله‌های غنی‌تر، پراکندگی نمونه‌های خود را به سایر نقاط شهر گسترش دهد (استفاده از نمونه‌گیری حاکم‌تو^{۲۶}) به همین دلیل، از مناطق دیگر شهر نیز مانند مناطق ۳۶، ۷، ۸، ۱۰، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ (به تعداد ۳۲ نفر) و نیز «بزرگسال مستقر در شهر تهران که تجربه کار کردن در دوران کودکی را داشته‌اند» (به تعداد ۱۸ نفر) (خصوصیات مشارکت‌کنندگان براساس سن، وضع و سطح تحصیلات، سرپرست خانواده و شغل آن و نوع فعالیت ثبت شده است^{۳۱})، اتمام نمونه‌گیری زمانی رخ داد که از نمونه‌های جدید اطلاعات جدیدی به‌دست نمی‌آمد و اشباع نظری^{۳۲} صورت گرفته بود شایان ذکر است که تعداد کل نمونه‌های تحقیق ۵۰ نفر بودند که چهار نفر از آنها بعد از انجام تحقیق، برای ارزیابی قابلیت اعتماد تحقیق به پژوهش حاضر اضافه شدند.

درخصوص فرایند مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا محقق با رایزنی‌های متوالی با برخی متولیان در شهرداری تهران و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این حوزه، سعی نمود از برخی از کودکان، در بهترین زمان و بهترین مکان ممکن، که قادر به مصاحبه باشند دعوت به مصاحبه نماید لیکن به علت خصلت کار کودکان و پرهیز از تصنعی‌سازی و جداسازی آنان از محیط کار واقعی، بیشتر مصاحبه‌ها در فضاهای عمومی و در مکان‌های مختلفی صورت گرفت. در این مسیر، محقق سعی می‌نمود از مشارکت‌کنندگان تاحد ممکن پذیرایی مختصری انجام دهد در مکان‌های عمومی، محقق هزینه‌های پذیرایی را به‌طور کامل متقبل می‌شد پس از اعتمادسازی و تمهید

۲۳- Structural Adjustment Programs (SAP)

۲۴- Grounded Theory

۲۵ - حسب برآورد در برخی گزارش‌ها، بیش از ۴۱ درصد کودکان کار کل کشور در استان تهران حضور دارند. همچنین در شهر تهران به ازای هر ۵۳۰ نفر جمعیت «یک» کودک کار و خیابان وجود دارد.

۲۶. Maximum Variation Sampling

۲۷. Snowball Sampling

۲۸. Theoretical Sampling

۲۹. Purposive Sampling

۳۰ - اطلاعات این بخش درخصوص توزیع و فراوانی کودکان کار در شهر تهران، بیشتر مستند به تحقیق وامقی و همکاران (۱۳۹۳) است.

۳۱ - علاقه‌مندان به اصل رساله مراجعه بفرمایند.

۳۲. Theoretical Saturation

مقدمت (معرفی محقق، تشریح دلایل انتخاب موضوع و ضرورت مصاحبه، تاکید بر محرمانه ماندن اطلاعات و اسامی افراد و غیره) محقق در مصاحبه‌های اولیه خود براساس پروتکل مصاحبه، که براساس حساسیت نظری طراحی شده بود سه سؤال کلیدی را در رابطه با نحوه و دلائل شروع کار و فعالیت آنان، در رابطه با محیط و شرایط کار و تجربه آنان و در مورد وضعیت خانوادگی آنان (ترکیب ساختار، روابط و منابع) به صورت باز و غیرساختارمند مطرح می‌کرد و اجازه روایت‌گری به مشارکت‌کننده می‌داد اما با گسترش مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان و استخراج مقوله‌ها، مصاحبه‌ها تخصصی‌تر و نظری‌تر می‌شد و بعد از هر مصاحبه، ثبت اطلاعات، اولین قدم بود و بعد از ثبت داده‌ها و مصاحبه‌ها، داده‌ها مرتب می‌شد. در این مسیر با ثبت مصاحبه‌ها، فرایند تحلیل نیز شروع می‌شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه‌های متعارف نظریه‌زمینه‌ای آغاز می‌شد. مجموع مصاحبه‌ها بالغ بر هزار و پانصد دقیقه شد. دامنه مصاحبه‌ها با پیشینه ۴۵ دقیقه و کمیته آن‌ها نیز با ۱۵ دقیقه ثبت شد. شایان ذکر است که فرایند جمع‌آوری داده‌ها، همراه با تحلیل داده‌ها پیش رفت. در فرایند تحلیل داده‌ها، از تحلیل خطبه‌خط برای کدگذاری باز استفاده شد و همراه با توسعه مفاهیم و مقوله‌ها، کدگذاری محوری و گزینشی به کار رفت.

در این مسیر، محقق برای برجسب‌گذاری (مفهوم‌سازی) عبارات سعی کرد هم از مفاهیم موجود در ادبیات و پیشینه تحقیق و گاهی نیز از مفاهیم جنینی و اولیه^{۳۳} استفاده کند تا معنای کش‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان حفظ شود^{۳۴}. در مرحله بعد، مفاهیم تبدیل به مقولات فرعی و مقوله‌های اصلی شد. در این مسیر، تلاش اصلی محقق در برجسب‌گذاری مقوله‌ها با استفاده از شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم تشکیل‌دهنده آن‌ها صورت گرفت. در این میان، از تکنیک مقایسه ملوم نیز بهره گرفته شد. به‌طور کلی، با شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم، مقولات فرعی و مقوله‌های اصلی برجسب‌گذاری شدند و در نهایت با استفاده از تکنیک مقایسه ملوم، مقوله هسته بر ساخت می‌شد.

در مرحله کدگذاری محوری محقق سعی نمود براساس راهنمایی‌های کرسول (۱۳۹۱) مقوله‌های اصلی و فرعی را حول یک مقوله سازمان‌دهی کند و پدیده مرکزی تحقیق را نشان دهد. در واقع، محقق برای درک ساختار و فرایند تحقیق، نیازمند ترسیم مدل پارادایمی است. پدیده مرکزی در این میان، آن چیزی را شامل می‌شد که مشارکت‌کننده با آن مواجه داشته است و خود را بر مشارکت‌کننده تحمیل نموده است. کدگذاری محوری با شناسایی شرایط علی (عواملی که به‌طور مشخص منجر به ظهور پدیده می‌شوند)، شرایط زمینه‌ای (عواملی که استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان در بستر آن رخ می‌دهد خاص و ویژه مشارکت‌کنندگان است و بیشتر شامل عوامل فردی و خاص در زندگی نامه مشارکت‌کننده است و به‌طور کلی پدیده تحقیق را تخفیف یا تشدید می‌کند)، شرایط مداخله‌گر (شامل عوامل گسترده و کلانی که بیشتر مربوط به نیروهای کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و از بیرون و از پیش موجود است؛ این شرایط، پدیده مرکزی را تخفیف یا تشدید می‌کنند و در انتخاب استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارند)، استراتژی‌ها (شامل کنش و واکنش‌های مشارکت‌کنندگان در پاسخ به پدیده مرکزی و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر رخ می‌دهند) و در نهایت پیامدها (که نتیجه و پیامد به کارگیری استراتژی‌ها توسط مشارکت‌کنندگان است) ترسیم می‌شود. کل ترسیم این فرایند در قالب کدگذاری محوری انجام می‌شود که در اصطلاح نیز به آن مدل پارادایمی^{۳۵} می‌گویند.

شایان ذکر است که در پژوهش حاضر، محقق برای آنکه ساختار و فرایند تحقیق را در هر مقوله هسته نشان دهد و نیز حسب مشاوره از محققین فعال و کاربلد مدل‌های پارادایمی بطور مجزا برای هر یک از مقوله‌های هسته استخراج کرد.

قابلیت اعتماد یافته‌ها به وسیله روش‌هایی نظیر بررسی همکاران، تشریح کلیشه‌های ذهنی و پیش‌داوری‌های محقق، تأیید مشارکت‌کنندگان،^{۳۶} و توصیف غنی تأیید شد. محقق همچنین، نتایج تحقیق خود را به چهار نفر از همکاران خود که آن‌ها نیز تجربه کار میدانی و تحقیقاتی به شیوه کیفی داشته‌اند ارائه کرده و از آن‌ها در رابطه با اعتبار بخشی داده‌هایش سؤال پرسیده است. در فرایند این مساله، تعدادی از مقوله‌ها و مفاهیم، بازبینی شد. در این مسیر، وی همچنین از تأیید مشارکت‌کنندگان

^{۳۳}- In Vivo

^{۳۴} - به عبارتی در مواردی که پژوهشگر قادر به ابداع یک برجسب مناسب برای نکات کلیدی بیان شده و یا مفاهیم استفاده شده توسط متخصصین باشد از شیوه نام‌گذاری برحسب سازه‌های جامعه‌شناختی استفاده نموده است و در مواردی که امکان چنین امری وجود نداشته است از شیوه نام‌گذاری زنده یا جنینی یعنی عبارات بیان شده از سوی مشارکت‌کنندگان بهره برده است.

^{۳۵}. Paradigmatic Model

^{۳۶}. Member Checking

نیز استفاده کرده است. وی نتایج تحقیق حاضر را به چهار نفر (دو نفر مشارکت‌کننده اصلی و دو نفر مشارکت‌کننده‌ای که سابقه کار در دوران کودکی را داشته‌اند و در مصاحبه‌های تحقیق شرکت نکرده بودند شامل دو مرد و دو زن) ارائه کرد و با استفاده از استراتژی تأیید مشارکت‌کنندگان، به تحقیق خود اعتبار بخشیده است. تأیید اتکاپذیری تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل، پیاده‌سازی دقیق و غیره انجام گرفت. اخلاق و مباحث اخلاقی نیز در تحقیق کیفی در تمامی مراحل آن جاری و ساری است. از انتخاب موضوع تحقیق تا نحوه انتشار گزارش تحقیق، درگیری‌های اخلاقی خاص خود را دارد (فلیکه ۱۳۹۱: ۵۵). در این مسیر، سعی شد در حین مصاحبه شأن و حرمت پاسخ‌گویان حفظ شود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق، فرایندهای اجتماعی چگونگی شکل‌گیری سه نوع کار کودک را در شهر تهران نشان می‌دهد. مقوله‌های هسته عبارتند از اشکال سه‌گانه کار کودک و موارد زیر را شامل می‌شوند:

۱. کار کودکان اجیر شده (شامل ۱۸۰ مفهوم، ۱۹ مقوله فرعی و ۱۲ مقوله اصلی)؛
۲. کار کودکان معیشتی (شامل ۱۶۲ مفهوم، ۱۷ مقوله فرعی و ۱۲ مقوله اصلی)؛
۳. کار کودکان کارگاه‌های خانوادگی (شامل ۱۴۰ مفهوم، ۱۵ مقوله فرعی و ۱۰ مقوله اصلی)؛

اولین مقوله هسته کشف شده از داده‌ها: کار کودک اجیر شده

خط داستان

کار اجیر شده، عمدتاً در بین کودکانی رایج است که تجربه کار را به‌مثابه نوعی اختلال تحمیل‌شده دوران کودکی و فرایندی می‌دانند که ضمن تأثیرگذاری منفی بر آموزش کودکان، شکل‌گیری سرمایه انسانی را توأم با اختلال می‌سازد. اغلب کودکان در این گروه، به دلیل الزام و اجبار والدین/ سرپرست قانونی و یا فشارهای ساختاری، تجربه ناخوشایندی از کار داشتند. اختلال تحمیل‌شده، عمدتاً توسط کودکانی تجربه می‌شود که اولاً فاقد تجربه لازم دوران کودکی بوده، دارای اعتماد و هویت رشدنیافته، بلوغ اجتماعی زودرس، نگرش تک‌بعدی به زندگی و احساساتی همچون: سرخوردگی و ناکامی، حقارت، استرس و اضطراب، احساس کم‌ارزشی و خودانگاره منفی می‌باشند. داغ‌خوردگی، ترس از مراکز قدرت و ماموران دولتی و غیردولتی، خفت شدن توسط بزرگترها و افراد قوی تر به‌علاوه وضعیت نابهنجار خانوادگی، منجر به شکل‌گیری نوعی عدم امنیت روانی اجتماعی در آنها شده است. ثانیاً در شرایط کاری اجباری و تحمیل‌شده، کار در ازای استهلاک بدهی و قرض خانواده و یا در ازای دریافتی ناچیز، کار فاقد پوشش‌های بیمه‌ای و درمانی و در مشاغل کاذب، کار طی ساعات طولانی و در شرایط کاری نایمن و خطرناک و گاهی در اشکال کار گروهی، قومی و خانوادگی (که مجموعاً تحقیرکننده و تنزل‌دهنده شخصیت کودکان است)، رواج دارد. این عوامل به‌علاوه سطح پایین منابع اجتماعی حمایتی، مشتمل بر افول سرمایه اجتماعی، فقدان حمایت اجتماعی درک شده و تنهایی اجتماعی و عاطفی و نیز تعلیق رژیم زمانی کرونومتریک که دربرگیرنده نوع جهت‌گیری مشارکت‌کنندگان نسبت به زمان و درواقع نوعی عادت به روزمرگی و بی‌معنایی و سترون‌شدگی و گسستگی در زمان، عدم تطابق ذهنی با سن تقویمی (بلوغ زودرس)، دورنمای منفی نسبت به زمان، گذشته دردناک و آینده نامعلوم است، به عنوان بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده کودکان کار اجیر شده قلمداد می‌شوند.

«فقر اقتصادی مزمن و بین‌نسلی»، «فقر فرهنگی»، «فقر منابع جسمانی» و «ازهم‌گسیختگی و نابسامانی نهاد خانواده» به عنوان شرایط علی موثر بر شکل‌گیری پدیده کودکان کار اجیر شده شناسایی گردیده‌اند. در چنین شرایطی و متأثر از سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی ناکارآمد، نهادها و حکمرانی ضعیف، بلافاصله بحران‌ها، جنگ‌ها و تضادهای اجتماعی، زیرساخت‌های ضعیف و بی‌ثباتی‌های جهانی و کلان، انتظارات فرهنگی از کودکان در رابطه با کار و آموزش (نظام ارزشی مختل شده)، خانواده‌های گسترده کژکارکرد و ازهم‌گسیخته، دسترس و بازگشت ضعیف به آموزش، بارتکفل‌بالا، فقر فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها، بیماری بزرگسالان یا اشتغال در مشاغل کاذب، بی‌ثبات و بادست‌مزد پایین، کمبود اعتبار اجتماعی (سرمایه اجتماعی ضعیف)، شوک‌های خانوادگی (بیماری‌ها، مرگ‌ها و غیره)، مهاجرت و غیره و حساس موقعیت و پایگاه کودکان در جامعه (که همواره متأثر از ساخت روابط قدرت است)، وابستگی بخشی از

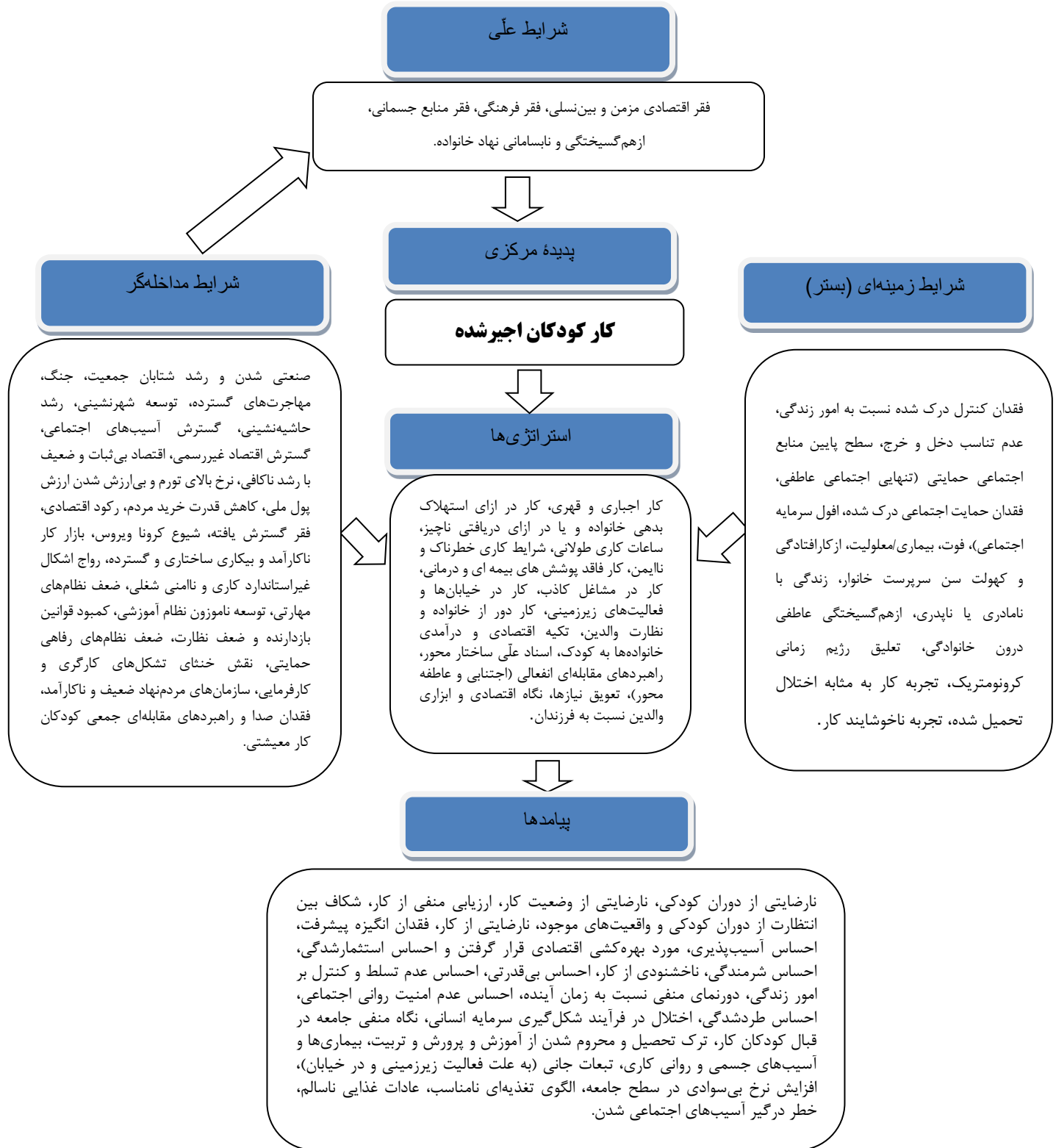
درآمد خانوار به کار کودکان و طرزتلقی بزرگسالان نسبت به کودکی و کودکان خویش و غلبه نگاه اقتصادی و ابزاری در این خصوص و متقابلاً درک کودکان از کار و کودکی خود (که ریشه در نحوه نگرش جامعه به این دو مقوله دارد) خودبه‌خود کار کودکان (به‌ویژه به تحصیل، بازی و غیره) اهمیت و اولویت می‌یابد. درواقع تحت‌تاثیر و در پاسخ به چنین شرایطی است که «کار به مثابه نوعی استراتژی بقا و حیات اقتصادی» توسط این دسته از کودکان و خانواده‌های آنان موردتوجه قرار می‌گیرد. کار کودکان اجیر شده به عنوان پیامد این شرایط، خود دارای برخی تبعات به شرح ذیل است: سیطره رژیم غذایی ناسالم، ابتلاء به انواع آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی و افزایش مشکلات و بیماری، گسترش هراس اخلاقی، احساس طردشدگی و تبعیض و فقدان کنترل اجتماعی درک شده. همچنین اختلال در فرآیند شکل‌گیری سرمایه انسانی.

مقولات اصلی مرتبط با این شکل از کار کودکان که حاصل کدگذاری و مفهوم‌پردازی داده‌های مصاحبه‌ای است، عبارتند از: تجربه کار به مثابه اختلال تحمیل شده دوران کودکی، تعلیق رژیم زمانی کرنومتریک، اختلال در شکل‌گیری سرمایه انسانی، فقر اقتصادی مزمن و بین‌نسلی، فقر فرهنگی، کار به مثابه استراتژی بقا و حیات اقتصادی خانواده و فرد، ازهم‌گسیختگی و نابسامانی نهاد خانواده، سیطره رژیم غذایی ناسالم، فقدان کنترل اجتماعی درک شده، سطح پایین منابع اجتماعی حمایتی و درک کودکان کار از نگاه جامعه.

مدل پارادایمی کار کودک اجیر شده

مدل پارادایمی، نشان‌دهنده جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر تحقیق رخ داده است. این مدل، از پنج بخش شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تشکیل شده است. در مرکز مدل نیز پدیده مرکزی قرار دارد که فعالیت‌ها حول محور آن شکل می‌گیرند. براین اساس مدل پارادایمی کار کودکان اجیر شده، به مثابه پدیده مرکزی شناسایی شده به شرح زیر است (مدل شماره ۱).

مدل پارادایمی (شماره ۱): کار کودکان اجیرشده



دومین مقوله هسته کشف شده از داده‌ها: کار کودک معیشتی

خط داستان

کار معیشتی، در بین کودکانی رایج است که تجربه کار را به مثابه فرآیندی برای انطباق‌پذیری و سازگاری می‌دانند. مبتنی بر یافته‌ها، کار کودکان معیشتی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقشار آسیب‌پذیر و خانواده‌های محروم جامعه است. اینان نتوانسته‌اند خود را با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نامتوازن در یک نظام اجتماعی نابرابر تطبیق دهند و در واقع فرآیند کارگر شدن کودکان نوعی الگوی انطباق و سازگاری خانواده‌های فقیر، مهاجر، گسیخته و حاشیه‌نشین با فقر شهری و در مواجهه با چنین شرایطی است. با آنکه این شرایط، ساختاری و تحمیلی است لیکن این دسته از خانواده‌ها و نیز کودکان آنان (در مقایسه با کودکان کار اجیرشده)، به نظر می‌رسد قربانیان منفعل در برابر شرایط نیستند. حسب یافته‌ها، آنان نشانه‌های نیرومندی از احساس کارآیی و کفایت یا خوداثربخشی از خود نشان داده، به استقبال کنش‌ها می‌روند و انعطاف‌پذیری از خود نشان می‌دهند. علی‌رغم خطرات و سختی‌های کار و فعالیت، قوه و قدرت انعطاف‌پذیری این دسته از کودکان، در توانایی آنان جهت کنکاش برای کسب معاش نمود می‌یابد. به عبارت دیگر، آنان اغلب به دنبال ویژگی‌های مثبت بازار کار، که راه‌حل‌هایی برای رهایی از مشکلات خانوادگی‌شان است، می‌گردند. از نظر بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، خانواده‌ها در برخی شرایط نامساعد، به‌ویژه فقر گذرا و موقتی و در شرایطی که والدین، دیدگاه و درک متناقض از «کودک»، «دوران کودکی» و نیز «تحصیل»، «کار» و «کار کودک» دارند، در دو راهی‌های «انتخاب داوطلبانه و یا قهری کار» و «کار/تحصیل» فرزندان قرار می‌گیرند. بدیهی است در فرآیند این تصمیم‌گیری‌ها (و به‌خاطر ساخت قدرت)، کودکان از قدرت چانه‌زنی کمی برخوردار بوده، لذا کمترین نقش را در اتخاذ آن داشته‌اند.

مقولات اصلی مرتبط با این نوع از کار کودک که حاصل کدگذاری و مفهوم‌پردازی داده‌های مصاحبه‌ای است، عبارتند از: تجربه کار به مثابه فرآیندی برای انطباق‌پذیری و سازگاری، دوالیسم آزادی/محدودیت در تجربه زمان، دوالیسم وابستگی/استقلال، راهبردهای مقابله‌ای ترکیبی (فعال/انفعالی)، فقر اقتصادی موقت و گذرای خانواده، دوالیسم کنترل اجتماعی درک شده بالا/پایین، منابع عاطفی و انگیزشی قوی، دوالیسم کار و تحصیل کودکان، درک کودکان کار از نگاه جامعه، دوالیسم اخلاقی کار قهری/غیرقهری، الگوی تغذیه‌ای نامناسب و ناهمسانی حمایت درک شده از بازار کار کودکان.

براین اساس مدل پارادایمی کار کودکان معیشتی، به مثابه پدیده مرکزی شناسایی شده به شرح زیر است (مدل شماره ۲).

مدل پارادایمی (شماره ۲): کار کودکان معیشتی

شرایط علی

فقر اقتصادی گذرای خانواده، اندازه گسترده خانواده، والدین بی سواد یا با تحصیلات پایین، فاقد مهارت یا کم مهارت، با دستمزد پایین، شوک‌های درآمدی به خانواده، اشتغال کاذب و ناامن بزرگسالان خانواده، خانواده‌های کزکار کرد، مهاجرت، سنت‌های فرهنگی، دسترسی‌های ضعیف و پرهزینه خانواده به آموزش و مدرسه، کسب استقلال و آزادی عمل کودکان، احساس غرور و افتخار و مفید بودن، کمک به درآمد خانواده، تسهیل جهت آموزش و تحصیل کودکان، درآمد نسبتاً خوب کار کودکان، آرزو برای مصرف کالاها و استانداردهای زندگی بهتر.

شرایط مداخله‌گر

صنعتی شدن و رشد شتابان جمعیت، جنگ، مهاجرت‌های گسترده، توسعه شهرنشینی، گسترش آسیب‌های اجتماعی، گسترش اقتصاد غیررسمی، اقتصاد بی ثبات و ضعیف، نرخ بالای تورم، کاهش قدرت خرید مردم، رکود اقتصادی فقر گسترش یافته، شیوع کروناویروس، بیکاری ساختاری و مزمن، رواج اشکال غیراستاندارد کاری و ناامنی شغلی، ضعف نظام‌های آموزشی و مهارتی، کمبود قوانین بازدارنده و ضعف نظارت و اجرا، ضعف نظام‌های رفاهی حمایتی، نقش خنثای شکل‌های کارگری و کارفرمایی، فقدان صدا و راهبردهای مقابله‌ای جمعی کودکان کار معیشتی.

شرایط زمینه‌ای (بستر)

تجربه کار به مثابه فرآیندی برای انطباق‌پذیری و سازگاری، دوآلیسم کنترل اجتماعی درک شده بالا/ پایین، دوآلیسم آزادی/ محدودیت در تجربه زمان، انگیزه تحصیلی ضعیف و نرخ بالای عقب ماندگی و ترک تحصیل، دوآلیسم کار و تحصیل کودکان، ناتوانی خانواده‌ها در تامین هزینه‌های مکفی زندگی، دوآلیسم وابستگی/ استقلال کودکان و درک متناقض والدین از دوران کودکی، ناهمسانی حمایت درک شده از بازار کار کودکان.

پدیده مرکزی

کار کودکان معیشتی

استراتژی‌ها

کار کودکان (دوآلیسم اخلاقی کار قهری/غیرقهری بودن)، ساعات کاری طولانی، کار در بخش غیررسمی، کار در کارگاه‌ها، کار همراه با مزد و با هدف کسب درآمد، راهبردهای مقابله‌ای ترکیبی (فعال/انفعالی)، کار و فعالیت خارج از حیطه خانوادگی، کار کودک به عنوان یک راهبرد اقتصادی (پرکردن شکاف بین دنیای مدرسه و کار).

پیامدها

مضر برای سلامتی، آسیب به تحصیل، تبعیض مزدی، کسب درآمد و امکان ادامه تحصیل، احساس استقلال و آزادی عمل، بلوغ اجتماعی و مسئولیت‌پذیری زودرس، ناپیکسانی میزان تسلط و کنترل بر امور زندگی، تناقض و دوگانه‌بینی از لحاظ خوشنودی و ناخوشنودی نسبت به کار، احساس مفید بودن، غرور و افتخار به جهت کمک به خانواده، اجتماعی شدن در کار، مهارت‌آموزی و کسب تجربه، کمک به تامین بخشی از درآمد و هزینه‌های زندگی، وضعیت تغذیه‌ای نامناسب، عدم امنیت روانی اجتماعی، جلوگیری از فساد و فحشا و فروغلتیدن هر چه بیشتر خانواده در فقر مزمن، عدم بیمه کودکان کار، عدم پرداخت مزایای کار به کودکان، درک متناقض از کودکان کار معیشتی (دامپینگ کار).

سومین مقوله هسته کشف شده از داده‌ها: کار کودک کارگاه‌های خانوادگی خط داستان

کار کودکان کارگاه‌های خانوادگی^{۳۷}، عمدتاً در بین خانواده‌هایی که برخوردار از کسب و کار خانوادگی هستند، رایج است. برخلاف «کودکان کار معیشتی» و «کودکان کار اجیر شده»، تجربه کار برای کودکان شاغل در کارگاه‌های خانوادگی به مثابه «بازآفرینی و گذار به بزرگسالی» و عامل خودشکوفایی و بستر رشددهنده برای بالفعل شدن استعدادها و بالقوه کودکان، مطرح است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، کار کردن را فرصتی برای یادگیری و رشد شایستگی‌ها و فرآیند تجهیز به مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز نقش‌ها قلمداد می‌کنند. این شکل از کار کودکان با مفروضات رویکردی که «دوران کودکی را با دنیای بزرگسالان پیوسته می‌بیند، بگونه‌ای که کودکان به تدریج با رشد شایستگی‌هایشان و ایجاد فرصت‌ها، وارد فعالیت‌های بزرگسالان می‌شوند»، منطبق است. در این دیدگاه، کار برای رشد کودک، عادی است و کار کردن، همپای رشد آنان، زمینه را برای تبدیل پیوسته آنها از کودکی بیولوژیکی به عضو اجتماعی فراهم می‌سازد.

مصاحبه با این گروه، این گفتمان مسلط را به چالش کشید که «مدرسه کودکان را بهتر از کار برای زندگی حرفه‌ای آماده می‌کند» و همچنین در مقایسه با کار کردن و بهتر از آن «مدرسه، امکان تحرک اجتماعی را فراهم می‌کند». از دید مشارکت‌کنندگان، در شرایطی که جامعه دچار بحران بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است و رویکردها و سیاست‌گذاری‌ها و به‌طور خاص، روند کسب آموزش، خلاف قانون اساسی، به سمت غیرانتفاعی شدن و پولی شدن می‌رود (و از این منظر و تحت شرایط حاد اقتصادی، بسیاری از کودکان و حتی نوجوانان و جوانان اقشار آسیب‌پذیر و فرودست، از تحصیل بازمانده‌اند)، کودکان می‌توانند از طریق اجتماعی شدن در کار، مهارت‌های ارزشمندی را بیاموزند، تجربیات مفیدی را بدست آورند، استقلال و عزت نفس خود را ارتقاء بخشند و به‌طور کلی آینده شغلی و حرفه‌ای خود را تضمین نمایند. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، حتی در شرایط بد اقتصادی، تجربه کار به عنوان بخشی از اجتماعی شدن اقتصادی تلقی می‌گردد و به کودکان اجازه می‌دهد «مسئول‌تر» شوند و «ارزش چیزها را بیاموزند».

به عبارت دیگر، کار کردن کودکان در کارگاه‌های خانوادگی، علاوه بر اینکه توأم با انگیزه‌های اقتصادی و ابزاری است و نوعی استراتژی اقتصادی توسط والدین برای پر کردن شکاف بین دنیای مدرسه و کار کودکان محسوب می‌شود، اما محدود به آن نشده، جنبه‌های کارکردی و قابل توجه دیگری نیز دارد. برای این دسته از کودکان، تشویق خانواده‌ها به کار کردن و علاقه‌مندی و اشتیاق خود کودکان برای کار کردن، نوعی غنی‌سازی اوقات فراغت و آینده‌نگری است. از این رو، می‌توان گفت نگاه به کودکان و تفسیر کار آنان در بنگاه‌های خانوادگی، صرفاً به عنوان یک «دارایی اقتصادی» از سوی والدین بی‌معناست.

البته همسو با درک ناهمسانی که جامعه از پیامدهای کار کودک در کارگاه‌های خانوادگی دارد، والدین نیز درک متناقضی نسبت به فرزندانشان خود دارند. با این حال به نظر می‌رسد جمع بندی دیدگاه و تصمیم کودکان (و البته والدین آنها نسبت به کودکان)، تعادل بخشی میان کار و مدرسه، کار و بازی و سرگرمی و کار کردن و بهره گرفتن از فواید و مزایای کار در میان و درازمدت است.

با توجه به دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق، می‌توان اذعان داشت که کار کودک در کارگاه‌های خانوادگی، حاکی از افزایش قدرت و عاملیت کودکان است. مشارکت این دسته از کودکان در فعالیت‌های اقتصادی و کار کردن، تا حدودی داوطلبانه، خودانگیخته، خودخواسته و از روی میل و رغبت، علاقه‌مندی و اشتیاق آنان است. احتمالاً از همین رو است که این دسته از کودکان، ارزیابی مثبت خود را از کار کردن ابراز نموده، در مواجهه با چالش‌ها و شرایط کاری پرتنش، راهبردهای مقابله‌ای فعال و مساله‌محوری را اتخاذ نموده‌اند. در حالی که این دسته از کودکان از حق خود برای کار کردن دفاع می‌کنند، کودکان کار اجیر شده، خواستار حمایت نهادها و لغو بکارگیری کودکان زیر حداقل سن قانونی و جلوگیری از استثمار و بهره‌کشی اقتصادی از آنان می‌باشند.

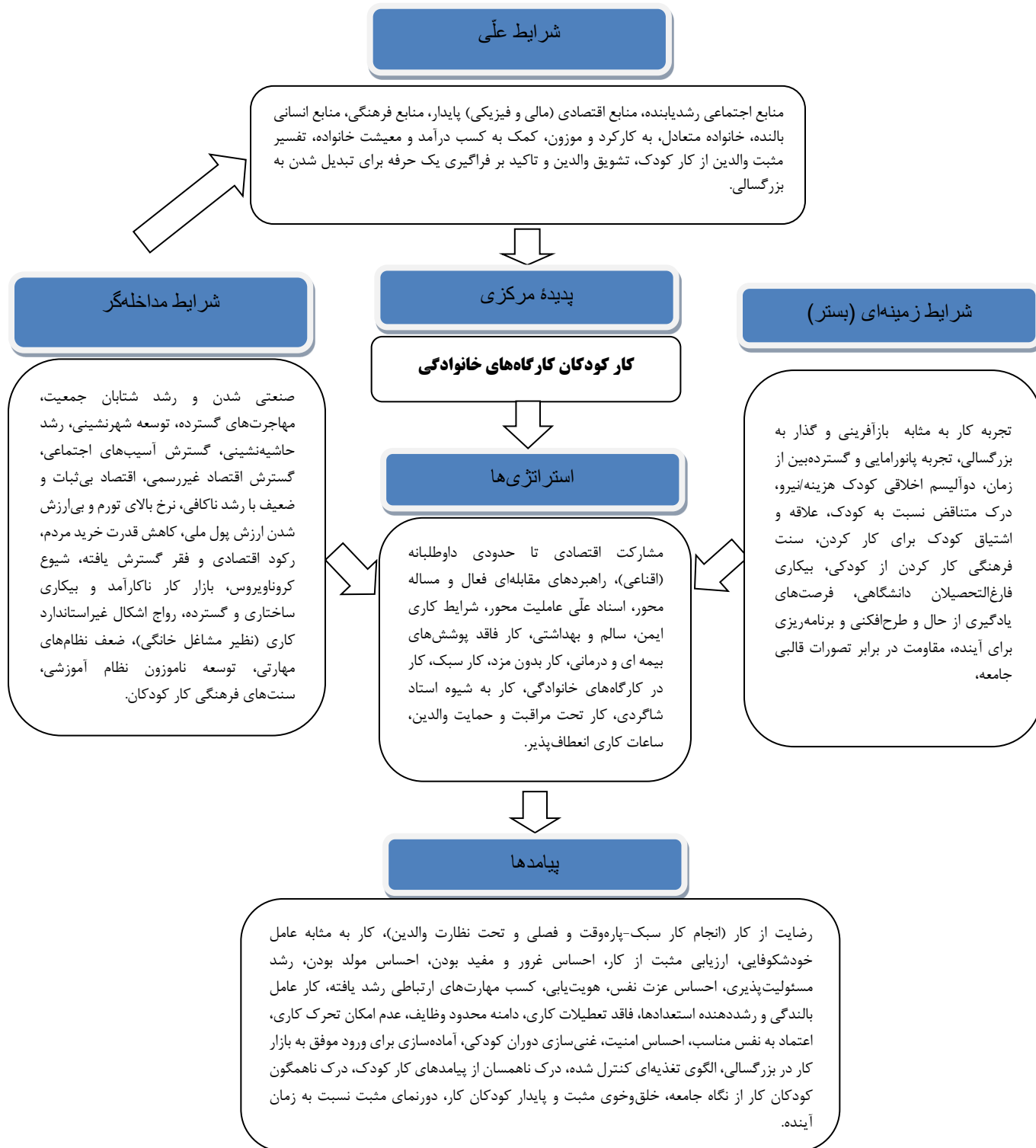
مقولات اصلی مرتبط با این نوع از کار کودک، که حاصل کدگذاری و مفهوم‌پردازی داده‌های مصاحبه‌ای است، عبارتند از: تجربه کار به مثابه بازآفرینی و گذار به بزرگسالی، تجربه پانورامایی و گسترده‌بین از زمان، کار به مثابه عامل خودشکوفایی، راهبردهای مقابله‌ای فعال و

^{۳۷} - این مفهوم متمایز از کار خانگی کودکان است. در کار خانگی کودکان، کارفرما لزوماً والدین نمی‌باشند.

مسئله محور، پایداری نسبی سرمایه معیشتی خانواده متعادل و موزون، الگوی تغذیه‌ای کنترل شده، دوآلیسم اخلاقی کودک هزینه/نیرو، درک ناهمگون کودکان کار از نگاه جامعه و خلق و خوی پایدار.

براین اساس مدل پارادایمی کار کودکان کارگاه‌های خانوادگی، به‌مثابه پدیده مرکزی شناسایی شده به شرح زیر است (مدل شماره ۳).

مدل پارادایمی (شماره ۳): کار کودکان کارگاه‌های خانوادگی



قضایای مستخرج و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر فرآیندهای اجتماعی شکل‌گیری کار کودکان در شهر تهران با استفاده از نظریهٔ زمینه‌ای بررسی شده است. در مسیر طراحی و توسعه نظریه تجربی پژوهش، تلاش شد خط داستان و مدل‌های پارادایمی، نظری‌تر و انتزاعی‌تر (تئوریزه و بیان آن در قالب قضایا) شده، وارد مرحله نظریه‌سازی^{۳۸} شد. قضایای استخراج‌شده را می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

قضیه شماره یک:

هرچقدر میزان دسترسی خانواده‌ها به منابع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افزایش یابد، میزان عاملیت کودکان و خانواده‌ها در انتخاب شکل کار (معیشتی، اجیر شده، کار در کارگاه‌های خانوادگی) افزایش می‌یابد و هرچقدر میزان دسترسی خانواده‌ها به منابع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کاهش یابد، میزان عاملیت کودکان و خانواده‌ها در انتخاب شکل کار کاهش می‌یابد.

قضیه شماره دو:

هرچقدر عاملیت کودکان و خانواده‌های آنان به سبب دسترسی به کسب‌وکار خانوادگی افزایش یابد، احتمال مشارکت و کار کودکان در کارگاه‌های خانوادگی افزایش می‌یابد.

قضیه شماره سه:

هرچقدر عاملیت کودکان و خانواده‌های آنان در انتخاب شکل کار کمتر باشد، احتمال استفاده آن‌ها از اسناد ساختارمحور و عوامل بیرونی خارج از کنترل خود در توجیه وضعیت موجود (وضعیت اقتصادی اجتماعی خود و خانواده، ورود به بازار کار و کار کردن و غیره) بیشتر می‌شود.

قضیه شماره چهار:

استمرار کار کودکان تابعی است از کم و کیف تجربه و ارزیابی کار توسط آنان.

قضیه شماره پنج:

میزان افزایش منابع و سرمایه‌های در اختیار کودکان و خانواده‌های آنان، مستقیماً تابع مثبتی است از عوامل برون‌زا در سطوح سه‌گانه خرد، میانه و کلان.

قضیه شماره شش:

میزان کاهش منابع و سرمایه‌های در اختیار کودکان کار و خانواده‌های آنان، مستقیماً تابع منفی است از عوامل برون‌زا در سطوح سه‌گانه خرد، میانه و کلان.

قضیه شماره هفت:

کم‌وکیف‌گیری و نوع تجربه زمان در بین سه گروه از کودکان با اشکال متنوع کار (کار در کارگاه‌های خانوادگی، کار معیشتی، کار اجیر شده) متفاوت است.

قضیه شماره هشت:

بین سه گروه از والدین (والدین کودکان کار معیشتی، والدین کودکان کار اجیر شده، والدین کودکان کار کارگاه‌های خانوادگی) درخصوص نوع نگرش نسبت به «کودک»، «تحصیل کودکان»، «کار کودکان» و «دوران کودکی فرزندان» اختلاف معناداری وجود دارد.

قضیه شماره نه:

هرچقدر میزان منابع و سرمایه‌های در اختیار خانواده‌ها کمتر باشد، سطح موافقت و سازگاری آنان با کار کردن کودکان افزایش می‌یابد.

قضیه شماره ده:

^{۳۸}. Theorizing

نوع راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده توسط کودکان کار در موقعیت‌های تنش‌زا، تابعی از شکل کار آن‌ها می‌باشد. قضیه شماره یازده:

هر چقدر کودکان درک مثبتی از نگاه جامعه در خصوص کار کودکان داشته باشند، بیشتر تمایل به حضور و استمرار حضور در بازار کار می‌یابند.

قضیه شماره دوازده:

نشانگان و پیامدهای کار کودکان، تابعی از شکل و شرایط کار کودکان می‌باشد.

قضایای دوازده‌گانه ارائه شده در این تحقیق (که هر یک از این قضایا دارای توابع زیرگروه هستند^{۳۹})، نحوه شکل‌گیری اشکال مختلف کار کودکان و پیامدهای آن را به‌طور نظری بیان می‌کنند. شایان ذکر است که توابع زیرگروه قضایای دوازده‌گانه، در بعضی موارد توابعی منفی بودند که نشان‌دهنده اثرات منفی ناشی از کاهش منابع در شکل‌گیری کار کودکان و همچنین پیامدهای منفی برخی از سنخ‌های کار کودکان است که عمدتاً در میان کودکان و خانواده‌های آنان با سطح پایین عاملیت و منابع محدود رواج دارد.

در ادامه، طرح‌واره نظری پژوهش (استعاره فضایی از ساختار و جریان تحقیق) با استفاده از پیکان‌های یک‌سر و دوسر نشان داده می‌شود. پیکان‌های یک‌سر نشان‌دهنده تأثیر علی و پیکان‌های دوسر نشان‌دهنده تأثیر رفت‌وبرگشتی و غیرخطی است. جهت مسیر و طی فرایند طرح‌واره از سمت راست شروع می‌شود و به سمت چپ ادامه می‌یابد. توضیحات تکمیلی و جزئی طرح‌واره پژوهش در ادامه می‌آید.

همان‌گونه که در شکل شماره (۱) مشاهده می‌شود، جعبه اول سمت راست، که عوامل برون‌زا را در سه سطح کلان، میانه و خرد نشان می‌دهد، حاکی از آن است که کار کودک معلول مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از شرایط و عوامل تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، قومی، خانوادگی، موقعیتی، نقشی، شخصیتی و غیره در سطوح کلان، میانی و خرد است. ویژگی عوامل برون‌زا در این سه سطح، ماهیت ساختاری و بیرونی بودن آن نسبت به کنشگران است که به‌صورت الزامات ساختاری بر سطح منابع در دسترس و نیز سطح تعادل یا ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارند. در سطح میانی، موقعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده و در سطح کلان، نظام‌های فرهنگی و ساختارهای سیاسی و اقتصادی جامعه، بر میزان منابعی که یک فرد یا خانواده در اختیار دارند و نیز کارویژه‌های نهاد خانواده، تأثیر می‌گذارند. جعبه دوم، در طرح‌واره نظری این تحقیق، به منابع و وضعیت نهاد خانواده اختصاص یافته است که شامل انواع مختلفی اعم از: منابع مالی، اجتماعی، فرهنگی، انسانی، جسمی- روانی و سطح تعادل و یا ازهم‌گسیختگی خانوادگی است. باین‌حال، هیچ‌یک از این دو سازه یعنی منابع و سطح تعادل و توازن خانوادگی به‌تنهایی برای تبیین کار کودکان کافی نیستند، زیرا به عنوان مثال این منابع نه به‌تنهایی، بلکه در تعامل با یکدیگر به تجربه کودکان و خانواده‌های آنان از کار و تحصیل و دوران کودکی فرزندان شکل می‌دهند. جعبه سوم، در این طرح‌واره نظری به ارزیابی و تجربه کودکان از کار اختصاص یافته که در مجموع به دو صورت منفی (اختلال تحمیل شده) و مثبت (خودشکوفایی، ضرورتی برای گذار به بزرگسالی و عامل سازگاری و انطباق‌پذیری) نمایش داده شده است. از یک‌سو، کیفیت و چگونگی تجربه افراد از کار و در گذار به بزرگسالی، تحت تأثیر بافت، ساختار، کارکردها و مناسبات خانواده و نیز منابعی است که خانواده‌ها در اختیار دارند و از سوی دیگر، تجربه کار و درک و تلقی از کار، بر کم‌وکیف ورود و حضور کودکان در بازار کار و تداوم آن و نیز شکل کار آنان (انتخاب‌شده/تحمیلی) مؤثر است.

وجهی دیگر از طرح‌واره نظری حاکی از آن است که سطح عاملیت و توان انتخاب‌گری کودکان (که متاثر از کیفیت مشارکت‌جویی والدین، نقش‌آفرینی فرزندان در تصمیمات اتخاذی در سطح خانواده و غیره است)، عاملی تعیین‌کننده در ورود و یا عدم ورود به بازار کار و نیز انتخاب شکل و شرایط کار آنان است. بنابراین درک کودکان به عنوان عوامل اجتماعی شکل‌دهنده و شکل‌گیرنده از شرایط و محیط اطراف خودشان حائز اهمیت است.

^{۳۹} - برای ملاحظه این قضایا و توابع زیرگروه و نیز فرضیات مستخرج از آنها به اصل رساله مراجعه گردد.

مطابق یافته‌های این تحقیق، سطح عاملیت و کنترل درک شده در بین کودکان، در شکل کار در کارگاه‌های خانوادگی به مراتب بیش از دیگر اشکال کار کودک بوده است. همچنین سطح عاملیت و کنترل درک شده در کودکان کار اجیرشده، در مقایسه با دیگر اشکال کار به مراتب پایین‌تر است.

رابطه دوسویه منابع خانوادگی و شکل کار کودک در طرح‌واره نظری زیر، با پیکان معکوسی که از شکل کار به منابع و سطح تعادل و توازن خانوادگی برمی‌گردد، مشخص شده است که این امر نشان می‌دهد که رابطه دوسویه منابع و وضعیت خانواده (تعادل و ازهم‌گسیختگی) با شکل کار کودکان از نوع علی/پیامدی است. به این معنی که منابع و میزان دسترسی به آن، به‌علاوه سطح تعادل و سامان‌مندی خانوادگی، از یک‌سو تأثیری علی بر کم‌وکیف ورود به بازار کار (انتخاب‌شده/تحمیلی) و شکل کار آنان دارد و از سوی دیگر، همین منابع (و یا لاقل بخشی از آن) و بافت، مناسبات و سطح تعادل و توازن خانواده را می‌توان پیامد کار کودکان دانست. به همین خاطر است که از وابستگی بخشی از درآمد خانواده‌ها به کار کودکان سخن به میان می‌آید و چه‌بسا تفسیر مفهوم کودکی عمدتاً مبتنی بر سهم اقتصادی فرزندان در خانواده باشد.

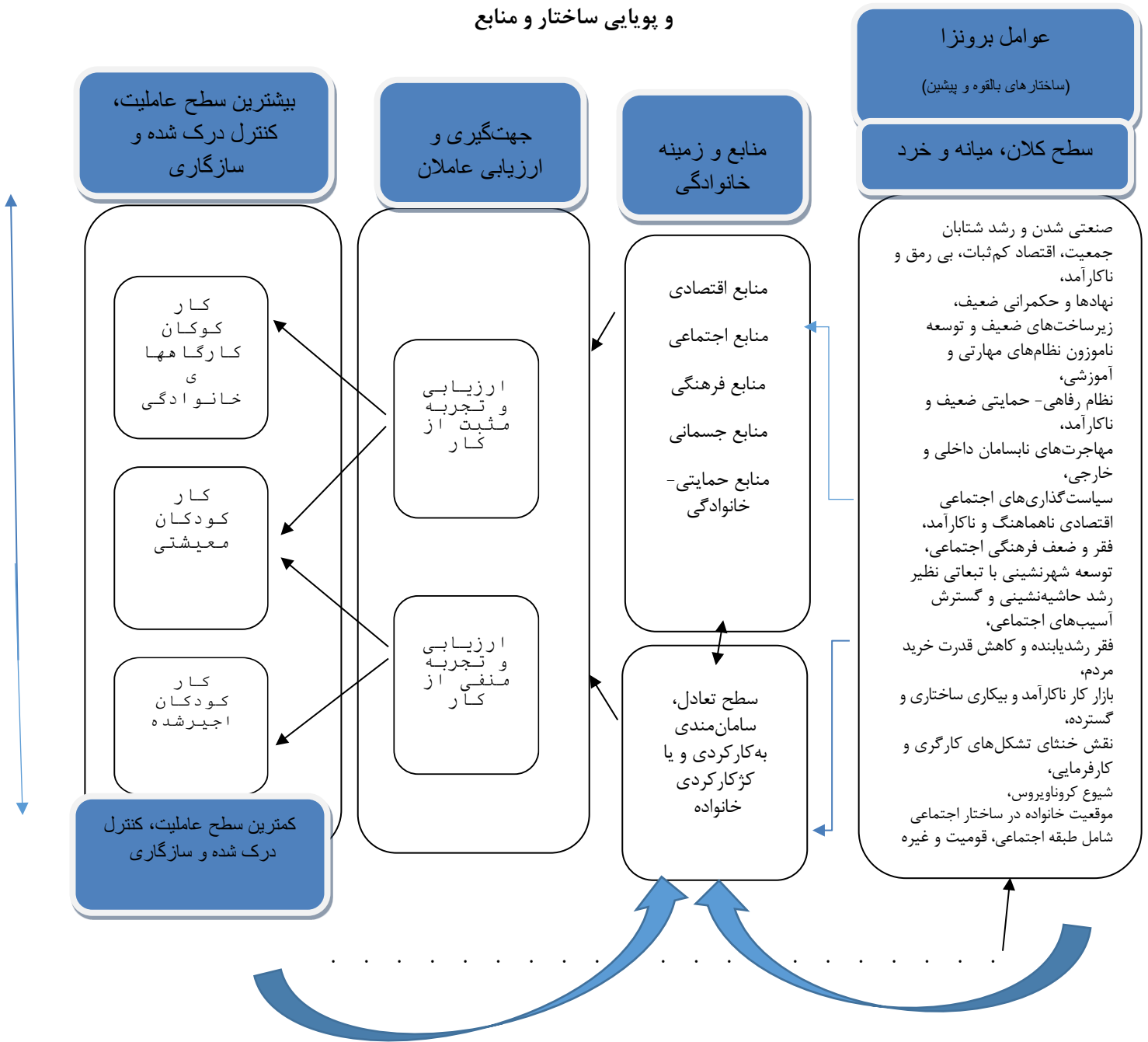
در این مدل، پیکان معکوسی که به‌صورت نقطه‌چین از انواع کار کودکان، به سمت عوامل برون‌زا نشان داده شده است، حاکی از آن است که استراتژی‌های خانواده‌ها، نه‌تنها منابع و شرایط خانوادگی، بلکه حتی ساختارهای کلان جامعه را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. با این حال، این مدل همه ابعاد و جنبه‌هایی که بر نتایج کار کودکان تأثیر می‌گذارند را شامل نمی‌شود. به عنوان مثال بعد زمان در این مدل، روشن نیست، در حالی که رویدادها و وقایع مختلفی (به عنوان مثال بیماری، مرگ، طلاق، بی‌خانمانی، تولد خواهر و برادر، ازدواج مجدد پدر یا مادر، جنگ‌ها و اپیدمی‌ها) در ادوار مختلف و به اشکال مختلف، کودکان و خانواده‌های آنان را تحت‌تأثیر می‌گذارد و حائز اهمیت و شایسته توجه‌اند.

در مجموع، مسیری که در آن کودکان به بزرگسالی می‌رسند و به‌ویژه تبدیل به کودکان کار می‌شوند، از پیش تعیین شده نیست، بلکه بازتابی از استراتژی‌های انتخابی و تصمیم‌های اتخاذی خانواده‌ها، منابع در دسترس، انتخاب‌های تحت کنترل یا ناشی از فشار شرایط و ساختارهای کلان اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است. از آنجاکه کار کودکان معیشتی در میانه پیوستار عاملیت/ساختار قرار دارد، در نتیجه، تأثیر عوامل ساختاری کلان بر سطح خرد یا کودکان، همواره از مسیر شکل کار و به میانجی آن صورت می‌گیرد.

در این طرح‌واره نظری، کار کودک به مثابه پدیده‌ای چندوجهی شناخته شده است. در سطح کلان به‌عنوان یک‌نهاد، متأثر از بی‌ثباتی‌های کلان جهانی، ساختارهای اجتماعی (و سیاست‌های اجتماعی) و بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه و همچنین شرایط حاکم بر بازار کار و اقتصاد (سیاست‌های اقتصادی)، نهادها و حکمرانی ضعیف، بلایا، بحران‌ها، جنگ‌ها و تضادهای اجتماعی است. سطح میانه این طرح‌واره، عموماً شامل گسترش بخش غیررسمی و خوداشتغالی، گسترش فعالیت‌های زیرزمینی، بازار کار ضعیف، تورم و کاهش قدرت خرید آحاد مردم، هزینه‌های بالا و تجهیزات و استانداردهای آموزشی ناکافی و ضعیف، شوک‌های خانوادگی (بیماری‌ها، مرگ‌ها و غیره)، سازوکارها و شرایط خانواده‌ها (انگیزه‌ها و دلایل، سطح دسترسی به منابع، سطح سامان‌مندی یا نابسامانی)، مزایا و معایب کار کودکان و درک و تصویری است که از کودک و کار وی در محیط کار و جامعه وجود دارد. سطح خرد نیز عمدتاً اشاره به نظام ارزشی، خانواده‌های کژکارکرد، دسترسی ضعیف/بازگشت ضعیف به آموزش، بار تکفل بالا، فقر و درآمد پایین، بیکاری بزرگسالان، فقدان اعتبار، مهاجرت، نگرش‌ها و تصمیم‌های کودکان برای ورود به بازار کار دارد. این طرح‌واره نظری چندسطحی، نشان می‌دهد که عملکرد و شرایط کودکان کار، نه‌تنها متأثر از متغیرهای سطح خرد است، بلکه عمدتاً به متغیرهای سطح کلان و میانه هم بستگی دارد.

محقق در یک اقدام نوآورانه، اشکال متنوع کار کودک را براساس دو محور عاملیت و ساختار دسته‌بندی نموده است. به عبارتی از پیوستار عاملیت و ساختار برای دسته‌بندی انواع مختلف کار کودک بهره برده شده است، به‌گونه‌ای که در یک‌سوی این پیوستار، کار کودک خانوادگی (عامل محور) و در سوی دیگر آن، کار کودک اجیر شده (ساختار محور) قرار دارند. کار کودکان معیشتی میانجی و نقطه اتصال عاملیت و ساختار است.

شکل شماره (۱) طرح‌واره نظری، عوامل و اشکال کار کودکان، بر مبنای عاملیت و ساختار و پویایی ساختار و منابع



منابع و مآخذ:

۱. پوزیده، مریم (۱۴۰۰). کودکان کار و حق آموزش (مطالعه مروری به مقوله کودکان کار). *اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت*. بندرعباس.
۲. جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. مقدمه‌ای بر تغییرات فرهنگی اجتماعی برنامه‌ریزی شده. *راهبرد فرهنگ*، پاییز، شماره ۳.
۳. جیمز، آلیوس و همکاران (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی دوران کودکی (نظریه‌پردازی درباره دوران کودکی)*. ترجمه علیرضا کرمانی، علیرضا ابراهیم آبادی. نشر ثالث.
۴. خانجانی، مهدی و همکاران (۱۴۰۰). بررسی میزان شیوع اختلالات روان‌شناختی و عوامل پیش‌بین آن در کودکان کار. *دوفصلنامه علمی روانشناسی فرهنگی*، سال ۵ شماره ۱، صص ۱۹۵-۲۱۷.
۵. خندانی و همکاران (۱۳۹۹). کودک کار سستی و مدرن در حقوق موضوعه ایران و کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک. *حقوق و مطالعات نوین*، سال اول، زمستان، شماره ۱.
۶. راغبی، محمدعلی و محمدی، زهرا (۱۳۹۹). بررسی فقهی حقوقی کار کودک و خلائای قانونی آن، *دومین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی*.
۷. زارعی، مریم و رحیمی، مجید (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی مدیریت شهری و سازمان‌های مردم‌نهاد در حل معضلات کودکان کار و خیابان (مطالعه موردی: شهر شیراز). *مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، موسسه پژوهشی مدیریت مدبر.
۸. شاه علی، سارا (۱۳۹۹ الف). *موانع و مسیرهای اصلاح نظام حقوقی کودک در ایران و ارائه سیاست‌های پیشنهادی*. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۳۱ خرداد.
۹. شاه علی، سارا (۱۳۹۹ ب). *ارزیابی طرح «ساماندهی کودکان کار در خیابان و پیشنهاد سیاست‌های جایگزین»*. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۰. شبکه یاری کودکان کار و خیابان (۱۳۹۸). *نامه ارسالی به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱۲ و شماره ۵۷۲۳۶*.
۱۱. شفیع، سعید (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گسترش کار خیابانی کودکان، هشتمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، *مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران.
۱۲. شهرکی، مهدی و قادری، سیمین (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم به اشتغال مادر و کودک در خانوار شهری ایران. *نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی دوره ۸، شماره ۳۲، صفحات: ۱۲۵-۱۳۸*.
۱۳. صالحی، پژمان؛ طاهری‌زاده، علیرضا و عباسی، مریم (۱۴۰۰). رهیافتی به بحران افزایش جمعیت کودکان کار در شبکه مترو و شیوه‌های مقابله موثر با آن (مطالعه موردی: کودکان کار متروی تهران)، *اولین کنفرانس بین‌المللی سیره علوی در ایران*، تهران.
۱۴. طاهری‌زاده، علیرضا و عباسی، مریم (۱۴۰۰). *مهدویت در سیره علوی، اولین کنفرانس بین‌المللی سیره علوی در ایران*، تهران.
۱۵. عامری، مهدی و آسایی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی جامعه‌شناسی علل افزایش کودکان کار در جهان (با تکیه بر جامعه ایران)، *هفتمین دوره همایش ملی پژوهش در علوم اجتماعی و روان‌شناسی ایران*، تهران.
۱۶. عبدالهی، محمد (۱۳۸۷). *زنان در عرصه عمومی: عوامل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی*. نشر جامعه‌شناسان.
۱۷. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۵). *بررسی فرهنگ فقر، انجمن جامعه‌شناسی ایران*، مندرج در سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران (به آدرس <http://www.isa.org.ir>).
۱۸. فلیک، اووه (۱۳۹۶). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۱۹. قاسمی، سارا؛ مهرالحسنی، محمدحسین و یزدی فیض‌آبادی، وحید (۱۴۰۰). *مراقبت سلامت اولیه (PHC) برای کودکان کار (با نگاهی به عوامل اجتماعی موثر بر سلامت): (SDH)* یک مقاله دیدگاهی، *اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم بهداشتی، روان‌شناسی، مدیریت و علوم تربیتی*.
۲۰. قائمی، علی (۱۳۹۰). *کودک و خانواده ناسامان*. ناشر: انجمن اولیاء و مربیان، چاپ ۸.

۲۱. کرسول، جان (۱۳۹۱). روش و طرح تحقیق کیفی، انتخاب از میان پنج رویکرد، ترجمه طهمورث حسنقلی پور، اشکان الهیاری و مجتبی براری، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۲۲. کرمی، فرشاد و همکاران (۱۴۰۱). کودکان کار و خیابان در ایران: (۲) ارزیابی طرح‌ها و الگوهای مداخله و الزامات تدوین طرح مداخله جامع. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. دفتر مطالعات اجتماعی (گروه آسیب‌های اجتماعی)، ۲۳ شهریور.
۲۳. گزارش شورای اجتماعی کشور (۱۳۹۹). کودکان کار و خیابان.
۲۴. مستمع، رضا و همکاران (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر انومی اجتماعی در خانواده شهری و پیامدهای آن (مورد مطالعه شهر تهران). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۳، بهار ۹.
۲۵. محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای). تهران. انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۶. محمدپوریزدی و همکاران (۱۳۹۸). بررسی مولفه‌های محیطی موثر در ارتقای تعاملات اجتماعی نمونه موردی: کودکان کار در خیابان، سومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و طراحی شهری، تبریز.
۲۷. محمدصادقیان، حسن (۱۳۸۶). بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر کار کودک در شهر تهران، تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی.
۲۸. مقدسی، انسیه و پاک‌نیت، مرتضی (۱۴۰۰). ارائه راهکاری پیشنهادی جهت عوامل موثر در گرایش کودکان به کار در خیابان، نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۲۹. وامقی، مروثه و همکاران (۱۳۹۳). بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۳۹۱-۴۱۶.
۳۰. هوشمند، مهدی و فرزانه، فرزاد (۱۴۰۰). کودکان کار و تاثیر آن بر اقتصاد جامعه، دومین کنفرانس علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم انسانی.
۳۱. یزدان پناه، نرگس (۱۴۰۰). بررسی خلاءهای قانونی حقوق کودکان کار، سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شبروان.

1. Abdollahi, M. (2008). Women in the public sphere: Factors, barriers, and strategies for civic participation among Iranian women. Tehran: Sociologists Publishing. (In Persian)
2. Akarro, Rocky R. J.; Mtwewe, Nathan Anthon (2011): Poverty and Its Association with Child Labor in Njombe District in Tanzania: The Case of Igima Ward. Department of Statistics, University of Dar es Salaam, Tanzania. Current Research Journal of Social Sciences ; (2011 / 05 / 25) , P199 - 206
3. Ameri, M., & Asaee, F. (2021). A sociological analysis of the causes of the increase in child labor worldwide (With emphasis on Iranian society). In Proceedings of the Seventh National Conference on Research in Social Sciences and Psychology of Iran. Tehran. (In Persian)
4. Arfan Latif; Shoukat Ali; Abdullah Awan; Jafer Riaz Kataria (2016), Socio-economic and political determinants of child labor at brick kilns: A case study of district Jhang. South Asian Studies, A Research Journal of South Asian Studies, Vol.31, No. 1, January – June 2016, pp.161 – 174
5. Becker, GS Human capital: A theoretical and empirical analysis, with special reference to education 1964 New York National Bureau of Economic Research
6. Bhalotra, Sonia and Zafiris Tzannatos (2003), "Child Labor: What Have We Learnt?". World Bank Social Protection Discussion Paper Series, paper no.0317. available online at: <http://www.worldbank.org/sp>.
7. Bourdillon, M. (2006). "Children and Work: A review of current literature and debates". Development and change, Volume 37, Issue: 6, page(s): 1201-1226
8. Boyden, Jo, Ling, Birgitta, Myers E. William (1998) What Works for Working Children. Unicef, International Child Development, 364 pages

9. Bronfenbrenner, U. (1994) 'Ecological Models of Human Development', in T. Husen and T.N. Postlethwaite (eds) *International Encyclopedia of Education*, 2nd edn, pp. 1643–7. New York: Elsevier Science.
10. Chiwaula, Levison S. (2010), Household poverty and child labor decisions in Malawi. *Child Labor and the Transition between School and Work*.
11. Creswell, John W. (2012). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (Tahmoures Hassangholipour, Ashkan Elahiyari & Mojtaba Barari, Trans.). Tehran: Negah-e Danesh Publishing. (In Persian)
12. Dehejia, R. and R. Gatti (2006), *Child labor: The role of income variability and access to credit across countries*, World Bank Policy Research Working Paper no. 2767, Washington DC: The World Bank.
13. Dimova, R. (2021). The political economy of child labor. In *The Handbook of Labor, Human Resources and Population Economics*. This Version is available at: <http://hdl.handle.net/10419/232607>
14. Edmonds, Eric V. , and Norbert Schady, (2012) 'Poverty Alleviation and Child Labor', *American Economic Journal: Economic Policy*, vol. 4, no. 4, 2012, pp.100-124.
15. Ennew, J. , W. Myers and D. P. Plateau (2005) 'Defining Child Labor as if Human Rights Really Matter', in B. Weston (ed.) *Child Labor and Human Rights: Making Children Matter*, pp.27–54. Boulder , CO and London : Lynne Rienner.
16. Fazeli, N. (2006). An analysis of the culture of poverty. Iranian Sociological Association. Retrieved from <http://www.isa.org.ir> (In Persian)
17. Flick, U. (2017). *An introduction to qualitative research* (Hadi Jalili, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
18. Fernandez ,Russell Cristian E. & Abocejo, Ferdinand T. (2014), *Child Labor, Poverty and School Attendance: Evidences from the Philippines by Region*. CNU Journal of Higher Education Volume 8 (2014), pp.114-127
19. Flick, U. (2017). *An Introduction to Qualitative Research* (Hadi Jalili, Trans.). Tehran: Nei Publishing. (In Persian)
20. Ghaemi, A. (2011). *The Child and the Dysfunctional Family*. Tehran: Parent–Teacher Association, 8th ed. (In Persian)
21. Ghasemi, S.; Mehralhosseini, M.H., & Yazdi Feyzabadi, V. (2021). Primary health care (PHC) for working children with a focus on social determinants of health (SDH): A viewpoint article. In *Proceedings of the First International Conference on Interdisciplinary Studies in Health Sciences, Psychology, Management, and Educational Sciences*. (In Persian)
22. Houshmand, M., & Farzaneh, F. (2021). Child labor and its impact on the economy of society. In *Proceedings of the Second Conference on Educational Sciences, Psychology, and Humanities*. (In Persian)
23. ISBN: 978-0-85724-000-2, eISBN: 978-0-85724-001-9 . Publication date: 19 May 2010
24. James, A., et al. (2018). *The sociology of childhood: Theorizing childhood* (Alireza Kermani & Alireza Ebrahimabadi, Trans.). Tehran: Sales Publishing. (In Persian)
25. Javadi Yeganeh, M.R. (2008). A sociological approach to rational choice theory: An introduction to planned socio-cultural change. *Rahbord-e Farhang*, 3, Autumn. (In Persian)
26. Karami, F., et al. (2022). Working and street children in Iran (2): Evaluation of intervention plans and models and requirements for designing a comprehensive intervention plan. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Office of Social Studies (Social Harms Group), September 14. (In Persian)
27. Khandani, et al. (2020). Traditional and modern child labor in Iran's statutory law and the Convention on the Rights of the Child. *Law and New Studies*, 1(1), Winter. (In Persian)

28. Khanjani, M., et al. (2021). Prevalence of psychological disorders and their predictive factors among working children. *Scientific Biannual Journal of Cultural Psychology*, 5(1), 195–217. (In Persian)
29. KIRAL, Gülşen. Mehmet Fatih TIRAŞ(2013), Understanding of child labor in Turkey: An empirical analysis. *Atatürk Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Dergisi*, Cilt: 27, Sayı: 2, 2013
30. Moghaddasi, A., & Pakniyat, M. (2021). Proposing strategies addressing factors influencing children's tendency toward street labor. In *Proceedings of the Ninth National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences, Psychology, and Social and Cultural Studies*. Tehran. (In Persian)
31. Mohammadpour Yazdi, A., et al. (2019). An analysis of environmental components affecting the promotion of social interactions: A case study of street-working children. In *Proceedings of the Third International Conference on Civil Engineering, Architecture, and Urban Design*. Tabriz. (In Persian)
32. Mohammadpour, A. (2013). *The experience of modernization: A study of change and development in Hawraman using grounded theory*. Tehran: Sociologists Publishing. (In Persian)
33. Mohammadsadeghian, H. (2007). *An analysis of sociological factors affecting child labor in Tehran*. Tehran: Institute of Labour and Social Security. (In Persian)
34. Mostame, R., et al. (2017). An analysis of factors affecting social anomie in urban families and its consequences (Case study: Tehran). *Journal of Social Security Studies*, 53, Spring, 9. (In Persian)
35. Myers, W.E. 2001. "Valuing diverse approaches to child labor" World in Lien, GK and White, B. (eds)" *Child Labor*". Policy options, Amsterdam. Aksant Academic Publishers.
36. Network for Supporting Working and Street Children. (2019). Letter submitted to the Ministry of Cooperatives, Labour and Social Welfare, dated August 3, 2019 (No. 57236). Tehran. (In Persian)
37. Pouzideh, M. (2021). Child labor and the right to education (A review study on working children). In *Proceedings of the First National Conference on Applied Studies in Educational Processes*. Bandar Abbas. (In Persian)
38. Raghebi, M., & Mohammadi, Z. (2020). A jurisprudential–legal analysis of child labor and its legal gaps. In *Proceedings of the Second International Conference on Jurisprudence, Law, and Religious Studies*. (In Persian)
39. Rocky R.J. Akarro and Nathan Anthon Mtwewe. (۲۰۱۱) .Poverty and Its Association with Child Labor in Njombe District in Tanzania: The Case of Igima Ward .*Journal of Social Sciences* 3(3): 199-206, 2011.
40. Salehi, P.; Taherizadeh, A.R., & Abbasi, M. (2021). An approach to the crisis of increasing numbers of working children in the metro network and effective coping strategies (Case study: working children in the Tehran metro). In *Proceedings of the First International Conference on Alavi Conduct in Iran*. Tehran. (In Persian)
41. Sarkar ,Jayanta & Sarkar, Dipanwita(2012), Why does child labour persist with declining poverty? NCER Working Paper Series.Working Paper #84(Revised) June 2012June 201
42. Shafiei, S. (2020). An analysis of social factors affecting the expansion of child street labor. In *Proceedings of the Eighth National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences, Psychology, Social and Cultural Studies*. Tehran. (In Persian)
43. Shah Ali, S. (2020a). *Barriers and pathways to reforming the child legal system in Iran and proposing policy recommendations*. Tehran: Strategic Studies Center of the Presidency, June 21. (In Persian)
44. Shah Ali, S. (2020b). *Evaluation of the "organization of street working children" plan and proposing alternative policies*. Tehran: Strategic Studies Center of the Presidency. (In Persian)

45. Shahraki, M., & Ghaderi, S. (۲۰۱۸). Factors affecting mothers' and children's decisions to participate in employment in Iranian urban households .Journal of Economic Growth and Development Research, ۸(۳۲), ۱۲۰-۱۳۸. (In Persian)
46. Social Council of the Country. (2020). Working and street children. (In Persian)
47. SSRN: <https://ssrn.com/abstract=298562> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.298562>
48. Taherizadeh, A.R., & Abbasi, M. (2021). Mahdism in Alavi conduct. In Proceedings of the First International Conference on Alavi Conduct in Iran. Tehran. (In Persian)
49. Theodora Pritadianing Saputri.(2018). Corporate Social Responsibility to Eliminate Child Labour. Universitas Katolik Parahyangan.September 2018
50. This Version is available at <https://www.researchgate.net/publication/337275648>
51. Tuttle, Carolyn. "Child Labor during the British Industrial Revolution".EH.Net Encyclopedia, edited by Robert Whaples. August 14, 2001. URL, This Version is available at: <http://eh.net/encyclopedia/child-labor-during-the-british-industrial-revolution/>
52. UNICEF, Impact of Unpaid Household Services on the Measurement of Child Labour, MICS Methodological Paper No. 2, UNICEF, New York, 2013.
53. Vameghi, M., et al. (2014). A mixed-methods assessment and rapid appraisal of the situation of street children and characteristics of their labor in Tehran. Iranian Journal of Social Issues, 6(2), 391–416. (In Persian)
54. Yazdanpanah, N. (2021). An analysis of legal gaps concerning the rights of working children. In Proceedings of the Third National Conference on Modern Research in Education, Psychology, Jurisprudence, Law, and Social Sciences. Shirvan. (In Persian)
55. Zarei, M., & Rahimi, M. (2021). A comparative study of urban management and non-governmental organizations in addressing the problems of working and street children (Case study: Shiraz). In Proceedings of the Eighth International Conference on Management and Humanities Research in Iran. Modabber Management Research Institute. (In Persian)